

# فروغ مهر

بزرگترین تولید کننده

نرم افزار ها و سرویس ها

و کتابخانه ها و اینترنت

[www.fmehr.com](http://www.fmehr.com)

[www.fmr.ir](http://www.fmr.ir)

[info@fmehr.com](mailto:info@fmehr.com)

ایسرا دقا سمی

هَذَا كِتَابُ

و باید دانست که پی بردن به  
نسخه‌هایی که در فصل کیمیا و سیمیا و ریاضا  
مرقوم است بغیر دانش اشکال حروف که مصنف  
ایجاد آن کرده از قبیل مشکلاتی که حل آن  
بدون آوردن نظردانصوف نمی‌تواند نظر  
به تهیله این شکل و فهم عوام

گیمیا

دَرْ عَلِيَّ

Handwritten musical notation on a three-line staff, featuring various rhythmic symbols and note heads, likely representing a piece of music from the manuscript.

وَرَبِّهَا

وَسَيِّمًا

حل دُموزات را جُزف هُند نمُو  
و با الٰهی هر یک از آن اشکال عُد هُند را  
درج نموده که عامل در وقت استخراج آنها از زمین  
حرف هُجی دریافت نمود و نظر بر آن صفحہ داشته مُطَلَب  
منه خواهد شد اللهم اغفر للبانی و الساعی  
الواقِع و الجَمیع المؤمنین المؤمنات بِجَاهِ

وَهَيْمًا

وَلِيْمَا

محمد وآله الطاهرين

در علم کیمیا و سیمیا یافتار و لیمیا و ریمیا و همیا

هذا کتاب اسرار قاسم  
من تالیفات جناب ملا حسین  
الکاشفی قدیر ستن

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

باسمه سبحانه و تعالی حضرت قاسم العیاض و عالم السیر و الخفیات له الحمد فی العداوات و الشببات  
بعون عنایت بی نهایت جلیل زما الترغیب خود را صلوات الله و سلامه علیه علی عمرته  
المقرین لدیه کسوت صفوت پوشانید بر منصف علوم جلوه جمال ارزانی فرموده که و  
یعلیمهم الله الکتاب الحکمه و چون بر زبان معجز نشان در طلب حقایق دانش حاضر اعتنائی  
آرنا الاشیاء کما هی جاری داشته تا کجا اجابت را اینکلمات معالی سمانش تلقین فرمود که  
و قل رب زدنی علما و از اینجا معلوم میشود که در خراش قدرت جوهر شریفتر از علم و نفیس  
تراز دانش نیست سیراب و الذین اتوا العلم در جای مؤکدا اینصورت مؤید این معنی است  
حضرت ولایت ربیت مظهر عجائب و مظهر غرائب و ارباب مرتبه هارونی و مدرس مدرسه  
سلوئی مطلع انوار الرضا علی الملقی المرتضی علی محمد و اهل بیت جلال الصلوة و کرائم التحیات  
در فضیلت علما و شرف علم میفرماید شعر ما الفخر الا لاهل العلم انهم علی الهدی  
ستمه ادلاء نظم علم بودن در کی جان دل علم دهد تا زکات کل علم نسیم

چمن جان بود: زایحه روضه رضوان بو: روشنی دیده امید اوست: واسطه رحمت  
جاوید اوست: هر که بپرچشمه دانش رسید: اب حیات بد پر اچشید: و بقتل اول  
انواع علوم و اصنافان و قسمت است جلیه و خفیه جلیه است که سمت اشتها  
یافته اکثر علماء بر قواعد و قوانین آن مطلع میشوند و احاطه دقائق کلیات و جزئیات  
آن مینمایند و خفیه آنکه درز و اباء اخفاء مانده هر کس را و فوف بر حقایق اسرار و بدایع  
اثاران میسر نشود و بر ریاضت تمام و مجاهدت لاکلام اطلاع بر قانون استخراج خبا یا  
واسطه استنباط خفایای آن دست ندهد و از جمله خفیات علوم محتجبه خسته است که از  
حروف و اهل اشما افسار و وجهی که حکمای یونان وضع فرموده اند نکته کلمه سر مستفاد میگردد  
و بزبان اشارت دو حرف دیگر در نام هر یک بعد از حروف مبادیه با فصح اللغات اینما مینماید  
با اینکه اینعلم در بابیست مثل بر اصداف غرائب و هر صدف منظوم بر جواهر غائب در حرف  
اخرا زهرایم بهمان لغت ندای طرب با سماع ارباب طلب میرساند مصرع عاشقی گو  
بشنود و از دل اول آنها علم صناعت کپرسن و آن علم است بتبدیل قوه اجسام  
معدنی به بعضی بعضی تا حاصل شود ذرات فلزات و آنرا کیمیا خوانند و در اینعلم  
کتاب تصانیف بسیار است چون سیم و سبعین و پنج جاب و شش و الذهب مکتوب رسائل  
جلد که و مجری و میزان و اشعار خال و غیره مختصر مولوی سلطان لد و ابن عمود و امثال آن  
و یمر علم طلسمات آن علم است که بد دانسته میشود که قیاس تمیز قوه فاعله غالبه بمنفعله سافله تا فاعله  
غریب از آن حادث گردد و آنرا الیمیا گویند و در این علم تصانیف بسیار است چون مصنف هر من الهماسه  
حل المسکلات و طلسمات از حکیم ملهم هنگو و والیس اسکندران و تماشیل ابوبکر بن خبیه مانند آن  
سیم علم تنجیب و آن معرفت احوال سبعة شماره است از حیث تصرف ایشان که فواعل علوه اند در

1819611 11/211911111520111861.





تطبیق نسبه کرده باشد و در درون دیک سفالین نک کرده که نو باشد هنوز در و خیز پنجه  
 باشند در زیر و آتش نکرده بکار پولا داند که بغایت نیز باشد مخ نموده بر وجهیکه خون و  
 بر هیچ وجه در خارج نریزد پس دل او را برین ارد از جسد او و بشکافد هفت دان از شجره خروع  
 در درون آن لحد و شکاف از بر پیمان جوهر محکم بد زدن آن جوهر از و برین نباید پس در  
 دیک افکنده بعد از آنکه تمام او را با خون دیک نهاده باشد در درون پیمان برود و در زیر و  
 عمل این در درون برانوجه است که بگردد بیست یکدان از جبهه خروع و از او زن نماید همان وزن  
 خولجان مصر حاضر کند و هر یک را جدا جدا بگوید و غایت زنی به نیز بر شک چشمه تا چون  
 غبار پنجه شود آنکه با هم بیامیزد و این در درون دیک باشد تا با خون و سایر اخلاط که در  
 دیکست امیخته شود و نیز بگردد محکم کند آنکه شوریه گرم سازد و آن دیک را که قبل از این مطبق  
 ساخته باشد خشک گردانیده در آن تور هفت چون او را پر خاکی کند باید که مقدار یک شبر  
 خاکستر یا لای دیک باشد پس یکشب آتش در این شور بوزد تا هر چه در دیکست محرق گردد و  
 یک شبانه روز در ها کند پس دیک را برین ارد و دل سوخته را فرا گیرد و جوهر که در و بوده بنگرد  
 هر چه سوخته باشد باز در دیک اندازد و آنچه سوخته باشد نیکو نگه دارد که جبهه اخفا بکار آید  
 تته رما که در دیکست برین ارد و محافظت نماید که بر او عملهای کلی میتوان کرد و اینر رما  
 ثالث گویند خاصیت هر رما در و صلی آورده میشود **وصل اول** در خاصیت رما  
 و آن انقلاب + + + است از صورتی بصورتی و اصل در این عمل بخور است و  
 ساختن آن بخور چنان باشد که بگردد حب الخروع و حب الاس حب لورد و حب بیسج از هر یک  
 رومی جدا جدا هر یک را نرم بکوبد تا چون غبار شود پس بریند و با هم بر آمیزند و بوزن مجموع رما  
 مذکور اضافه نموده بد فساد با خام عین کنند آنکه از وی جوهر سازند هر چه در دیک و بر

نخبر محافظت نماید چون خواهند که عمل کنند ماد مذکور را بد انسان و کلاب جل سازد و بر هر  
 ورق باشد بنویسد اسمی از اسماء ثلاثه که مختص است بدان مفر نه مرکب یعنی حرف نویسد  
 بقلم داوود و علامه خام نیز رقم زند بر همان وجه که مذکور شد اسمی مختصه هر یک بخواند  
 و انور قرا بدست گرفته ایشان را حاضر کنند بدست می دهند یکی از جوب بخور را بر آتش  
 کنند در زیر جامه او و گویند کن الطیر فلا فی او الحیوان العلاء فی فانه بکون شکل مشکله بقدره  
 الله تعا و در هیچ رساله بیان بقلم داوود بر نکرده این فقره صوت آن قلم را پیدا کرده اسماء  
 ثلاثه را بحرف مفرده اینجا ثبت کرده تا عامل در اسماء عمل فرود نماید اما شمعون بر این وجه نویسد  
**صلی الفی** **صلی الفی** **صلی الفی** اما اسم زیتون بر این وجه نویسد **صلی**  
**صلی** **صلی** **صلی** و اما و سیمون **صلی** **صلی** **صلی** و واضح این قلم حضرت داود علی  
 نبینا و علیه السلام بوده شمعون **صلی** **صلی** **صلی** زیتون **صلی** **صلی** **صلی**  
**صلی** **صلی** **صلی** و سیمون **صلی** **صلی** **صلی** و **صلی** **صلی** **صلی** در خاصیت رما ثالثه و  
 بر او عمل بسیار است و قی که مداد سازند و آن در فصل ثالث گفته خواهد شد و آنکه مداد  
 سازند از او عمل اخفا حاصل میشود و کیفیت این عمل چنانست که اگر دهنف حله خروع یا  
 لوبیا و در خون اسوسا به بعضی جبهه سیاه یا غا زده هفت شبانه روز بعد از آن برین ارد و هفت  
 روز دیگر در خون گربه سیاه پرورش دهد بعد از آن فن کند در خاک که بر یا ماد مذکور امیخته  
 باشد بدین خون آخر تر کرده و این اها اندک و قی بر و بد شاخه پدید آرد و تخم او برسد پس  
 همه لوبیاها را با ناد اها به خروع کند و اینکته صاف در برابر و خود بدارد و یک یکدان در زیر زبان  
 میگذرد و در اینکته میگذرد تا و قی که شخص خود را در اینکته بنیندازد و نگاه دارد و باقی را میفکند  
 که با آن هیچ کاریست پس هر گاه که خواهد که از اینکته از جز او در زیر زبان گیرد و هر خا که خواهد





نیز کند و برخیزد و سرعت وان گردد و با سماء مذکوره متکلم شود مردمان بینند که روهوا میرد  
و هر زمان ارتفاع او پیشتر میگردد پس اگر حبس غفا با خود دارد در زیر زبان گیرد تا از نظر ایشان  
غایب گردد و ایشان روهوا میگویند و او را میجویند و همانجا نشسته با ایشان هر چه میگویند  
میشنود پس اگر خواهد خود را ظاهر گرداند و مقالات ایشان بدیشان باز گوید تا بجز و تعجب  
ایشان بفرزاید فلطیر و اینست لغایم و محکم ماه ۲۵۲ ماه مه ماه ۴ و ۵  
خاصیت پنجم این رماد را بچون هر مرغ که خواهد حل سازد و بدان حروف فلطیرش  
برگشت ست خود بنویسد و در جمع درازاید اسم را بخواند و این مرغ که خوش گوشت نام او بر زبان  
براندازد و یا مذکور شد به بر روی انبرد افتاند و از چرخ خود متحرک شود که او را بصوت آن مرغ  
بیند بمان لون و هفت و حروف اینست مرح مرح لا سامه لا ح ۸ ۹ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹  
خاصیت ششم چنانچه که در باب یا جو بزرگ بخلق بنماید و این عمل ابوالحسن اعلم است  
و صاحب کتاب بحر العلوم نیز احمد میگوید که ما از شیخ ابوالحسن این عمل را مشاهده کرده ایم و او  
گیر تراب از هر موضعی که خواهد و بموضان ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ دزان موضع در نزد  
تکلم کن با سماء ظاهر و از آن ماد خالص غیر مزوج بر بالای آن فرشت کن و باب بحر یا هر عظیم قدس  
از ماد حل ساخته بر قطعه کاغذ سفید این پنج کلمه را بنویس سا بوسال تبکلیکوش اقبلوا  
بیعوا سال و در مواجعه ناظران بذار همه ایشان دزان مکان در بانی بیند که امواج او  
متلاطم باشد یا هر عظیم مشاهده نمایند و تا پیش بحر یا هر تعلق بحال عامل دارد و باب مزوج  
بر ماد خاصیت هفتم بکیر و در الاخوب و نرم بکوب با لاله که ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹  
۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ سبز عین کن و بتاند کوبه نو این ماد را بدین پاسبین حل کرده اسماء  
خسر را که در خاصیت سابقه گذشت بران رگو بنویسد بدان مداد و از آن عین صوت شمی

ساخته دزان رگو بچد و در میان شب طشی براب سازد اب بازان با اب بحر و نور و انشع را  
در وسط آب تصبیه کند و اسماء مذکوره آغشته میخواند و میدمد که طابو سان بدیند  
از هر مکان روی بدان اب نهاده و بر حواله طشت دوزان کند سرها باب فرو کند خود را در  
احسن صو جلوه دهند این از عجایب اعمال است الله اعلم و وصلی و عمر در نوامیس  
این اعظم اعمال سیمیا و اخفاء علوم است حکماء گفته اند که علم نوامیس اکثر الفوائد و اوقاف  
الشداید است یعنی منفعت بسیار و شامش و به شمار است و حکیم حسین بن اسحق که  
مترجم عشر مقالات حکیم افلاطونست چنین آورده که نوامیس علمیت که بدینا بد چیزهایی  
که خلاف عادت باشد یا در عالم اکبر یا در عالم اصغر اما در عالم کبیر شاید که در علویات  
باشد چون احتکاشمش در تهار و اطهار ازان در شب ابراز کواکب در روز میتواند بود که در سفلیات  
بود چون مثله براب حل اشجار بر اثمار در غریقت آن و نمون برك سبز از درخت خشک و سبزو  
اشجار و انحاء آن و نمایش بین السماء و الارض نیز هست چون رعد برق و صاعقه و برف و  
باران و امثال این اما در عالم صغیر چون افلاک صورۃ انسان و حیوانات خفاء از چشم مردم  
و نمون خود را بصو مختلفه و مانند این ناموس و نوعی یکی اکبر و یکی اصغر اما اکبر بر امور  
کلمه و مهمات عظیمه شمال دارد و کیفیت تاثیر آن هیچ وجه معلوم نیست اینرا ناموس اعظم  
هم گویند و هم اصغر محو باشد بر امور صغیر و مهمات جزئی است و کیفیت تاثیر آن بر جمعی از  
ارباب الباب که اذهان سلیمه لطایع مستقیمه دارند واضح است هر یک از اعمال ناموسین و فضیله  
رقم ثبت میباشد هوالموفق ومنه الاعانة فصل اول در اعمال که تعلق بناموس اعظم  
دارد و از آن عملها که از چیز احصا خارجست سه نوع عمل مشهور گشته تعقیب مذخیر و ترشین  
و این اقسام ثلاثه در مشرعی از اد کرده میشود بنو فوق الله تعالی و وصلی اول در اعمال که

در تعقیبات و اصل اکثر تغایر حجر الشمس است و آن حجریت که ثبوت و شبنم میدهد چون چراغ  
افروخته و حواله خود را منور میسازد و چون این حجر بدست آید و از کوفته یا برابر او آب گرم  
خیس سازد و بگیرد  $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز} \text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$  هر کدام که خواهد و  $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$   
کن مر و از آن واقعه که  $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$  و گشاده گردد و قبل از دخول  $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$  در او  
بپاشند و  $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$  خود را بنیان خیمه معمول را در وی و باز آغاده عمل کن تا داخل آن تا  
وقتی که  $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$  در وی زیند و آن حجر معمول را و از خروج مانع خواهد شد پس اگر  $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$   
 $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$  است خون بی نوع او بر روی او بمالد و اگر  $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$  است رگ او را بخون  $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$   
مثل او ملطخ سازد و او را در خانه تاریک که افتاب رگ نباشد بگذارد و سپس گندم و شراب  
میداده و در هر هفته مقدار یک طل از آن خون که رگ آن بدان الوده است در طعام و شراب  
او بدوده تا وقتی که  $\text{ح} \text{ا} \text{ب} \text{ج} \text{د} \text{ه} \text{و} \text{ز}$  و باید که قبل از ولادت جلد البشر آماده ساخته  
باشد و آن حجر الشمس است و حجر لطو طیان الاخضر و حجر المقنطریس هر جزء برابر  
کوفته و باب برك بید خیمه کرده و جبهه ساخته هر یک بمقدار نخود و در سه سیم خشک گردانیده بعد  
جفاف سحر گردانیده مانند روزی و در طرف جابه محافظت کرده پس وضع حمل و افع شوان  
مولود را در میان این ذر و خوابانند که فی الحال در کوفت بشر به جلوه نماید پس مادرش را در  
همان دم بغسل آرد و خون او را در طرف نگاهدارد و انصوت جوان بشر را در آنای عظیم و واسع  
از آب گیسو یا رصاص را و بگذارد تا سه شبانه روز بگذرد و هر اینه جوع بر او غلبه کرده باشد و  
مضطرب گشته پس از آن خون مادرش را طعام کنه هر روز بمقدار که بخورد تا هفت روز بگذرد و  
صوتی عجیب هینا غریب بر وی بداید و برای عجایب اعمال بکار آید این تعقیبات اگر گویند از جمله  
خواص انصوت است که او را در دگر گوشت سفید بچیند در پیش رگ او و این سه صانع کند و

بهمان ذرور تجزیه نمایند در ۲۹ ماه یاد در ۳۰ از ماه قمری ظاهر گردد چنانکه در شب چهارده میباش  
تا وقتی که این سه بر ذرات یا صوتی غایب سازیم و اگر در اول ماه این صوتی را در هیچ کج و خون و خشک  
کرده سعی نمائیم بهر ادری که از خون بدیده صوت او منقلب گردد بصوت آنچه منتهی در وود یعنی  
هاده یعنی ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ یا الله ۴ ۳ ۲ ۱ و اگر در ۵۰ از ماه شک این صوتی را بشکافیم  
و روغنی که در شکم او باشد بگیریم و در کبی ماله صوت او منقلب گردد و مانند ۴ ۳ ۲ ۱  
شود و اگر این صوتی را تا چهل روز تغذیه کنیم بخون منتهی و شیر جانی بداریم که افتاب را بیندیشد و برین  
اریم و شکم او را شق کنیم و هنوز زنده باشد هر چه از احتیاجات او می بینیم و نگاه داریم هر  
گاه که بدین و در جلدین خود را بزدان بیا لای در طرفه العین از هر جا هر جا خواهد بود و عرضاً  
توان رفت و باز توان آمد نقیض الی و اعمال این صوت بسیار است برای مفید اختصار باقی  
تغییر دیگر بیکر و حجر الشمس و باز هر که از سفید عین کد و بیارت ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ و چنانکه در تغیر  
سابق مذکور شد با و عمل نماید آنکه ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ او را بخون سنک پست بیا لاید و در  
خاتمه تاریک بگذارد تا بوقت وضع حمل زرد ایندند او را گوشت دهد و اعشقه در دم فساد و  
شراب چشاند و این صفت با خون تمام تا زمان وضع حمل و قبل از آن باید که بر ک درخت قدق و  
زبد البحر و حیرانتیس اجزا را برابر کوفته باشد و بخون سلحفاة و زهره سمندون که مرغ مشهور  
است و بر کازاب بصره بسیار میباشد عین مباحثه و بعد از جفاف سعی چون ذرور گردد اینده  
اماده دارد تا چون این صوت متولد گردد در نه الحال که هنوز نر و نازمه باشد از آن ذرور بر و نه  
افشاند و او را در آنای پاک بزرگ و وسیع الرأس زارد و چهل روز او را بهمان طعام و شراب که  
مادرش را تغذیه نموده نماید بعد از چهل روز از آن انا برین ارد و حیوانه بیند بصوت انسان الا  
آنکه بکامی نداشتن باشد و از او بیچاره بر آید هر عضو او عملی را مشاهده اگر چشم او را بر کد خشک

کرده نباید و بدان احوال نماید روحانیان جیانی را بپند اگر مغرور و با غلبه بر این مبحث کمال سازد  
 و در چشم کشد کوز و دق این بر زمین بنظر و در آید اگر زبان دل او را خشک کرده بگوید با شری  
 این مبحث بنوشد کلام روحانیان بشود و زبان جیانی بفهمد و اگر دل او را خشک کند سخن نماید با  
 زهره او زهره ماهی که تور بوس نامند و در بحر عثمان میباشد تاجی دارد چون تاج خروس و بغایت  
 مشهور است بیامیزد و جها سازد و در میان و درخت که با یکدیگر نزدیک باشند مجری بهمت یک  
 از این خوب تجر کند شجر تن بیکدیگر میل کند بروحیکه با اتصال نزدیک باشد اگر چه از آن  
 جها باب حل کیم و هر دو دست خود را بان پیالای و در زیر درخت بنشیند شاخ و برگ آن درخت  
 میل کند بجانب تو و منجی گردد و اگر مغرور اینصورت را با مغروران که تازه باشد بیامیزد برابر  
 هر دو وزن مشک طراشع بان یاد کند و جت ساخته در سایه خشک گرداند در زیر درخت که  
 خشک و بی برگ باشد بخور کند در وقت و ساعت تازه گردد و نموده بدو پدید آید تعفین  
 دیگر بگرد  $\text{H}$  و با و همان معامله کند که در تعفین سابقه گذشت اما حجر  
 الشمس را باب کرم و چیزه از خون گریه سینه عجب باید کرد و تلخ  $\text{H}$   $\text{H}$  او بخون قط  
 است و مراره او باید و تطعم بمغز جو از این مبحث با لون کوفه نماید نموده و تسبیح شراب مزوج با دیر  
 مذکور بادم فساد پس برگ درخت نعل باید کوفت با ورق قوت و ورق خروع و ورق اشرا س  
 شجره صغیره ذات الشوك كال بشر الحجاج اجزا برابری کوفته و بچینه نگاه باید داشت تا وقتی که وضع حمل  
 شود در احوال مولود را در این ذر و رومو باید ساخت و او را در اناء محافظت کرده هفت روز  
 چیزی نباید داد و بعد از آن اخراج نموده بطن او را باید شکافت و احشای آن را باید آورد و با یک  
 دیگر مزوج ساخته نباید نماید تا مانند مرهمی شود و فدی از خون می بان خلط باید کرد و این  
 مرهم در هر عضو که مالند بضرر بازماند و خوب محس نشود و اگر فرضاً بقیع بر آن عضو مالند کار

در علم سیمیا

در علم سیمیا

نکند اگر دل او را بگیرند در پوست و او که سلخ کرده باشند بچیده بر میان حکم سازند و از خود در  
 او بزنند در نظر مردم غایب گردند چنانچه هم کس را ندارند آن بپند هیچ کس را ندارند اگر این  
 صورت را بوزانند و رماد او را نگاه دارد و فیه که خواهد بلان ابد از آن رماد چیزی بر مخرج اندازد  
 و تجر کند بازان با دیدن کیم و در و در در تدخینات اعمال تدخین از تعفین است و است  
 و یکی از دخمه افست که چون بدان ادخان کذب بر سر کوه یا صحرای کرم و در باشد از مرمر چنان  
 نماید که افق سرخ شده است هوا آتش گرفته و در میان هوا آسمان سیاه و سفید جولان  
 میکنند و بر هر سه شجره نشسته بر باز آتش در دست و بر یکدیگر حمله میاورند هر که اینصورتها  
 مشاهده نماید توهم کند عذاب برایشان نازل میشود و موجب توبه و تنبیه قوم گردد و اجزای این خمر  
 هشت چیز است اول پیر مایه که در آب بصره میباشد اثر ادخس میگویند و در سیاه مصر نیز هست  
 دلفین خوانند دوم پیر سام ابرو ستم پیر سلامند و از آن نوع است ز سام ابرو که چون در  
 آتش افکند در احوال آتش فر نشیند چهارم نظرون احرو این چهار اجزا برابر باشد تخم احتشاء  
 البقر و آن نصف جزو باید ششم و پیشانی است هفتم تم هشتم چکل کبوتر و از این چیز  
 ربع جزو باید مجموع را بگوید نیز غیر از شحوم و مسح و منخول را با شحوم در آمیزد و جو ساخته  
 در ظل تخمیف نماید تجر کند بدان بر سر کوهها بلند یا صحرای خلای که آن در دختان صوبه که گفته  
 شد منافع پرده شود تا وقت انقطاع بخور و خنری بگر که روز بدان تدخین کنند هوا  
 تاریک گردد و ستاره دیده شود و خوف و عجب بر قلوب غلبه کند این باب عجیب است فرا گیر  
 و حجر الشمس را سیمکه برنده که در در نمایند میباشد سرفراشون اجزا برابری و با حق کن و  
 بر هره سنگ پشت خیر ساخته سازد و در سایه خشک کن و فیه که عمل خواهد کرد خمر بگیرد  
 بر آتش که از خوب عو سحاف خمر باشد تجر کن که در نصف آنها بر موضع بلند تا کواکب را داد

در علم سیمیا

در علم سیمیا

روز مشاهده نماید رخسار پیکر که چون بدان تدخین کنی در نصف الليل و ماه بدر  
 نزدیک باشد في الحال نور او محو گردد و مخفف نماید این نیز عجیب است بیک ورق شجره که  
 سراج القطرب گویند بکوب آنرا و باز هر ۴ تا ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ و مغز سر ۱۱  
 ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ و بر این و بندها ساز بمقدار نحو پیمانه خشک کن و در شبها که خواهی  
 در موضع بر آتش ذیل تدخین کن در غیر ایام خسوف چون عشاء اول و آخر از ماه تا قمر مخفف  
 یغنی و در کتاب خضر شاه سماع آورده که چون بدین خسته تدخین کند بر روز را سمارگان را  
 بیند و مرغان بزرگ مختلف الون با هیأت عجیب رخسار پیکر که در هوا عجایب نمود  
 شود و از ذرات تماشیل و غیر آن از است سوار و جوهر بسیار و این خسته اطلاق است از اجزای  
 آن زفت و عوچی و زبق و سپر سکا و مسند و مس صبر از هر یک ده درم و صمغ و اد درخت  
 معرفت یک شقال هر یک را علی حده بگوید از سبق که با جزای کوفه صلام کند و عجو غراب یک  
 رطل زیت بر آمیزد و بنادق سازد و هر سبده بر سر رم و بعد از جفاف بر آتش که از بخرات ۴  
 ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ حاصل شده باشد تیغ نماید تا عجایب کل بیند رخسار پیکر  
 و این خسته الرجال گویند بند خن او در هوا مردان بیند یا آنها ایشان در زمین سحرهای  
 ایشان بر آسمان اجزای آن مرنگ و عطر زنجار و اقلیمهای ذیجه و ریخ احر و نحاس محرق و  
 زنجفر و دم انجم این خشک شده از هر یک ده جزو یک یک پنج جزو و شجره قالیوت برابر مجموع همه  
 بگوید و نیز در سبده ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ و ماء التوت عین کند و جها سازد بر مثال فلفل و در  
 ظل خشک کند و چون عمل خواهد کرد بر آتش که ذیل ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ حاصل شده باشد و  
 زبانه او فرو نشسته باشد تیغ کند در روز کثیر الغیم بر مکان غلبه تا آنچه گفته شد مشاهده بیند  
 که رخسار پیکر که از آن خسته الامطار گویند و این عظیمترین دخرها است فایده و منفعت

او بسیار باشد هرگاه که خواهد که باز آن ابتدا در تابستان که گرمای عظیم غلبه کرده باشد بگیرد  
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ که غزاله را با صاف می کند یعنی آفتاب پرستر او بچ نماید و در  
 او را گرفته خشک سازد پس بگیرد ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ که لون او بنیابت باشد یا چنگ  
 برنگ دیگر خصوصاً برنگ بیاض اگر بری باشد نیز تو عمل کامل را بد چون گرفته شد بر بند  
 و از آن در مذکور مجتنب مقدارش بریم ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ نثر کند و بد دهد پس ۱۱  
 ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ خربله مذکور مذکور اسلخ کند و طبع نماید تا بنیک مهر شود و آب را  
 نگاه دارد و محو ساز آن مطبوخ بخوراند پس از آن آب بنماشاند و سه روز دیگر مطلقاً  
 چیزی ندهد تا بنیک گرمه گردد صبح روز چهارم سار بر ص خصوصاً ابض طعام و کند و  
 بعد از آن اکل عطشه شدید بر و طاق گردد باید که از شجره سراج القطرب مقدار سه قهه آب  
 بصره حاصل کند سه قهه دیگر شراب عتیق یا ن ختم سازد و بدهد یک شامه روز یکبار و در صبح  
 روز دوم و از آن جمع کند و خون او را بیکر چنانچه قطره فوت شود و آن مذکور را بگذارد تا خشک  
 گردد پس گوشت استخوان او را بگوید خون او را با شراب عتیق یا میزد و آن مدقوق را بمیل و در  
 او از این شراب دم مذبوح تسفیه کند تا نکاه خشک گرداند و به منخل شعریند و بنیچه را وزن  
 کند بمقدار نصف و شعر کلب میت عظم او که سوخته باشد در ورشده بان منخوامم کند و  
 دیگر یاره سحق نماید تا خوب بیکد بیکر مخلط و منسج شوند چون خواهد که عمل کند فراگردی  
 و جزات که آن شجره بر نوق حاصل شده باشد بر و زرد و باند که از این و اندخین کند که  
 بقدرت الهی چون بخار بالا رود باز آن و بر زمین هفت تا بخور میسود همین عمل میکند و اگر بگاه  
 متصل تیغ کند همین صوت واقعه چون خواهد که مطر منقطع گردد آنرا را فرو نشاند تیغ  
 ناپ کند و صل سیم در تربلانات و انواع آن بسیار است از جمله پنج نوع اینجا

نوع پنجم

ثبت میگردد بعون الله وتوفيقه **اول** وقوف بر خواطر دان عمل حکیم افلاطون است  
میفرماید که بیکر مزه لا اله الا الله است و باوقتی که از خانه خود غریب بیرون آمده باشد  
و او را دذاب پاک اندازد اگر مطرب نیاید باشد بهتر بود و اگر آب یکی از آنها را در پیچیده و  
چون وصل و فرائ باشد عمل کامل را بدین نقد بر او را اغراق کند دذاب تا بیدار و باید که  
چون بیدار هم چنان او را خشک کند بوزن او نیم کوزان ربع وزن او دل است و ۱۲  
و مثل آن لوطی سخن گوید که نر باشد بیکر و همه را بگوید تا بیکر خلط کند  
نگاه دارد در هر چه از این و با شیری به تناول کند بعد از لحظه متکلم شود و هر چه بشود  
به الحال یاد گیرد و بر آنچه در خواطر مردمان میگردد واقف گردد طریق دیگر که از اصحا  
شامل اکبر منقولست اگر چه این عمل از علم عزائم است اما چون بر این کتاب آورده نخواستیم  
که اسقاط نمانیم چه فایده او بعبایت عظیم است هر که خواهد آنچه در خواطر میگردد و بر خواطر او  
کند باید که بیکر مزه روزه دارد و افطار بغیر حیوانی کند و بدین اسماء سبعه که نامها بر رکست و  
مفاتیح العلم گویند مداومت نماید سُبْحَیْدِعْ هَلِیْهَوْنِ لَا هَوْنِ دَمْدَمَوْثِ هَاجِنِ  
فَتِیْثِ هِلَوْبِ هِرْ رُزْهَرِ اَرَبَارِ مَتَلَفْ کُودِ رُودِ زَاخِرِ اَتَامِ اِبْعَدِ یَا زُودِ بَارِ صَلَوَاتِ بَقَرِ  
و سه بار بگوید اَللّٰهُمَّ اَکْثِفْ عَن قَلْبِیْ حِجَابَ لُغْفَلِیْ وَعَلِیْنِیْ مَا لَمْ اَکُنْ اَعْلَمُ وَبَیِّنْ لِیْ مِنْ  
کُلِّ مَا اَسْتَلْ عَنِّیْ بِاَمْنٍ لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ وَلَا مَعْبُودَ سِوَاهُ پس یازده بار دیگر صلوات  
فرستد و چون شش و زبر این روزه مداومت نماید در روز هفتم اثر ظاهر گردد و هر که پیش  
آید هر چه در خواطر بگذرد و در فی الحال بر خواطر اینکس بگذرد و در این باب از و کلامی واقع شود  
نوعی دیگر سرعت بسیار است و این چنان باشد که در روزی به سلف بکاه رافع تواند  
کرد به تعبیر و این کتاب تراست منقول از حکیم لادن طرابلسی و فرموده که هر که

ترا گیرد جلد ۴۴ و ۴۵ و جلد او از بیضا یعنی مرغابی سفید پوست کردن  
خروس بود رنگ و پوست و کفارش و پوست جلد سیمیه و ۴۴ و ۴۵ و جلد  
فرسط بشری که دیمیر باشند مجموع و آن جلد ادباعت هلد و از آن نعلین سازد که فوق و  
تحت آن جلد فرس باشد و بد زرد و وقتی که عطار مستقیم السیر باشد و قمر متصل بیکر  
سعی پس چون خواهد که شجاد در رود در بیکر و زی مشق و کفنی نعلین ادب پوشد بر طهارت  
و باید که روزه دارد و بر آه انموضع در آید که طریق در زیر قند او مطو گردد و یکی از مشایخ  
مغرب را بلباب بطریق دیگر عمل کرده است فرموده که مکان بر این وجه میشود که بیکر پوست  
۴۴ و ۴۵ و جلد جاجه که هر روز دیمیر باشند و دباغت دهند بعضی را بر بعضی ترکیب کند  
و باید که جلد نمر در فوق و تحت باشد و نعلین سازد و بد زرد و وقتی که قمر متصل بطلار و  
عطار مستقیم السیر باشد پس این اشکال که مذکور میشود بر جلد ۴۴ و ۴۵ و ۴۶ و ۴۷  
نویسد بر روان راست بند در وقت توجه بخشد که آنچه دیگر به بیکر او بیکر و زمره که در  
نویسد اصل است که اینکلمان که خواهد آمد هر یا ملاد و شبانگاه و در سازد و از بازده  
بار کمتر خواند و هر چند بیشتر خواند بهتر باشد اما اشکالی که بر جلد غزال باشد نوشت  
و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰  
و کلماتیکه صبح و شام بر آن مواظبت باید نمود اینست یا مَطِیْثَا اَنْوَحِی رَحِیْمِ اَعْلَیْ  
اَلْوَسَاحِ طَبِیْوُیْجِ مَا نُوْخَاوِ دَلِیْمِ اَهُوْ سَمِیْلِ اَللّٰهُمَّ سَهِّلْ وَ یَسِّرْ وَلَا تُعَسِّرْ بَا مَن  
لَا اِلَهَ اِلَّا هُوَ وَلَا مَعْبُودَ سِوَاهُ و در وقت توجه و بعد رفتن هر دو دست خود را بر سر

زانوهند روانه گردد نوع ثالث مشه برابابوز کر بای زانیه صاحب مقالا سپرده  
 گانه که مشهور است بر عادات هچین فرموده که هر که زانیا عینه این عمل بوده باشد باید که بگیرد  
 ۱۰ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ بر به اینچه نزدیک باشد باول اثبات رغب در کوزه نورنگ  
 ریخته پاکیزه کرده در ستور نانوای هلد ناهه لبوزنگ خاکستر شوند پس از ماد زانوزن کند  
 برابران آب کوفس بگیرد و بگو قفسه تا تمام بخورد و خیر شود و از آنکه ملاحه در سایه خشک  
 کند و بعد از آن سحر نماید تا و فی که مانند خیار شود پس در شبیه پاک امکنه گلاب برو  
 ریزد چندانکه برز بر او دزاید و بسیار و نگاهدارد که او را در سیمیا اعمال بسیار است و  
 حکیم زانیه فرموده که اگر بدین فرما در نعلین که از پوست تمساح و دلفین دوخته باشد طبقه بر  
 بالای طبقه و نجر بر کرده چنانچه رسم نعلین است و فی که فرموده در سلطان باشد بر شلخت مشه  
 این فلطیر را بنویسد که با سماء التبیان معرفت پس از نعلین پوشد و ساعی مسعود  
 کلامی که با سماء الشیخ است هزار نافر بخواند و قدم بر آب هلد فرزند بلکه بر آب نرود چنانچه  
 هر که معاینه بیند هم فلطیر اینست م ه ۱۰ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ ی صله م ه  
 ۱۰ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ و کلام چنین است یا قهر مقهر یا مشکوت یا حیر  
 یا شکوبه یا غم یا طشک اعینونی علی ذلک و یک از اکابر شهر در مقالات خود بر این وجه  
 آورده که هر که خواهد بر آب برود که پوست دلفین جلد تمساح و جلد ماهی ربا و جلد  
 ۱۰ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ و نعلین مطبق از این جلوه مند بوضه باز و جلد تمساح فوق و تحت  
 باید بر هر جلد از این جلوه دار بعد مد بوضه حروف مغرره بر میخ و نادر و مطر بنویسد پس بر می  
 دوزد و قمر متصل نماید بقطار از برج ثابت ابی چون این نعلین پوشد قلد بر آب هلد و  
 با سماء ارباب فصل و تو ساعت تکم شود و تکرار کان بر و و بعد از آن فی صرب کند از ابرو و

که قدش تر نشو اما حروف ربه که بر هر جلد باید نوشت اینست حروف الیم م ۱۰ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱  
 حروف النیم م ۱۰ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ حروف الطور م ۱۰ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ نوع الرابع طرین  
 از بلایه حکیم ابو عبد الله م ۱۰ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ در کتاب سند و ذکر کرده که بیکر شاخه از شاخه  
 درخت سند که سبز باشد از او شکل سر طایه بسازد در او پوشان جلد جردون و از پس  
 قصبه فرا گیر که میان فی باشد هر بنویسد بعد شبر و بر می ترکیب کن چنانچه موسیقار میبازند  
 این اسماء عظیمه را بخون کوس بر هفت پاره پوست شتر مرغ بنویسد کلام صبت راهفت بناد  
 بخوان و بر آنجا دم و آن پوستها را در سران بویها بنه و نفس زان قضبات کن و بنا و از بلند بگو  
 یا خدام هذا الاسماء ارفعونی من هذا المكان الی مکان کذا فی البلد الفلانی بعد از آن  
 کلام صبت راهفت بار ازا خوان کن تا مرتفع گردی باذن الله تعالی و اسماء عظیمه که بر جلد نویسند  
 اینست سطسلسل و ته و اهیا الی عمل یکسله و نیثا الخ و هیا الی عمل الوح  
 الوطائیا التیما امرکم بکاد العامل اما کلام صبت اینست طیف اسماء ویش سلهند ویش الا  
 مار فتمونی من هذا المكان الی البلد الفلانی و همین علوایک از بلاد امدارسطودر زمین ن  
 کرده بود و بعد از تجربه بر این وجه نوشته که و فی که آفتاب در برج حمل باشد و زحل در زمین آن فرا  
 گیرد قصبه که در اقبال مرسته باشد از بیخ آن قصبه هفت عقده بشمارد و مبتدع عقد ثامن بر و رو  
 بجانب مشرق ارد این عمل کند و در قطع قصبه اینکلمات را بخواند عت لجهطیر یسهلیدش یهوال  
 شخویشا و این قصبه بجای فرست بعد از آن این سمارا بنویسد و پوست غزاله ۱۰ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱  
 ۱۰ ۸ ۷ ۶ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ بخون کوس و عقاب بخیر کند بگوهند و بیخ بر ج صبی و مصطکی و مصطافون  
 رو به بخور است که ترسانان فرنگ در و میبازند و در کلبای خود میپوشند و انشا اینست  
 لشیخ مهملش معشای بخاش بمصملش ملک شیخ مصطیخ مصصیه المص معصا ص مطش



[illegible]

الرَّحْلُ چونساعت حل برسد نیکو است مقام ساختن که خدا شدن رزاعش کردن و  
کندن جو و نشاپیدن درخت و دیار دهقانان حاجت با ایشان کارهای نهانی و طلسمات  
و دشمنی و بیع و تراد فرزندی که در این ساعت متولد شود با دولت باشد هر شری و از باشد و نشاید  
مضاهرت و حرکت و ضد حجامت و معالجه و دیدار ملوک و سلاطین دیدن آلات حرب نو بریدن  
و نو پوشیدن مشتری چون باین ساعت برسد خوبست تعویذ مصارف و طلب حاجت و نقل  
و حرکت و سفر کردن دیدار ملوک و اکابر دیدن و ابتدای کارهای عظیم و نو بریدن و نو پوشیدن بیع  
و شراء جمله نیکو است فرزندی که در این ساعت متولد شود صالح و پاکیزه روزگار باشد و نشاید  
کارهای نهانی و آلات حرب کار فساد و دیدار مفسدان دیدن و شغل و عمل فاسد کردن در این باب  
گفته است حریم چونساعت مرغ رسد خوبست برای آلات حرب طلسمات و شکار و بریدن  
لباس کار فساد کردن و دیدار سلاطین اکابر منع است طلب حاجت سفر تجارت و پوشیدن  
فرزندی که در این ساعت متولد شود در خون ریختن این بود الشمس چونساعت شمس رسد  
نیکست ابتدا کارهای عظیم و نو بریدن و نو پوشیدن و بیع و دشمنی و طلسمات و فرزندیکه  
در این ساعت متولد شود از عمر با اقبال و اصحاب دانش باشد نشاید تجارت حرکت و طلسم  
خامد هر چه بدین ماند الزهره چونساعت زهره برسد نیکست تزویج و مضاهرت و طلسم  
الفت و دیدار زمان معالجه بیمار و نو بریدن و نو پوشیدن و هر متولد که در این ساعت متولد  
شود طرب و سستی با عیش باشد و نشاید کودک بتعلیم دادن ابتدای کارهای عظیم و طلسمات و  
هر چه مانند اینها باشد عطاری چونساعت عطارد رسد نیکست کودک بتعلیم دادن و  
کاتب و کارهای تازه و نو تعمیر کتب طلسمات الفت و محبت کردن هر فرزندی که در این ساعت متولد  
شود عالم و دانا و زیرک شود و نشاید ضد حجامت کردن سفر بریدن لباس نشاید آلات

حرب و کار فساد و معالجه بیمار و کارهای پنهانی در این باب گفته شد اما القصر چون ساعت قمر رسد  
 نیکست پیغام فرستادن و فصل حجامت کردن و دارو خوردن و دیدار ارباب اهل و سپهر سفر کردن  
 و بریدن و پوشیدن و آنچه بدینها مانند الله اعلم بالصواب نفع خاص امطار است در  
 غرق و این عمل عجیب است و مشهور نزد براهی بگردد  $\text{لا هـ}$  و اغراق کن در هر  
 ای که باشد تا بپذیرد بگردد  $\text{لا هـ}$  استودر غایت شود فرو بندد رخانه و از آن مذکور اول  
 بدین مذکور از هر یک و از همان ای که آن مذکور دارد و اغراق کرده باشد او را به چشمان و او در روز  
 اول فریاد بسیار کند بدان لغات مکن در این روز بگردد  $\text{لا هـ}$  استودر غایت است  
 و او را نیز اغراق کن تا بپذیرد و مقدار بداده روز سیم از آن مغرق مقلد بدوده در روز چهارم مغرق  
 ثانی روزی از این روزی از آن و آب هر دو از آن است که مغرق در آن برده تاده روز بگذرد  
 در روز یازدهم چشمها او منقلب شده باشد بر فتح آن قلدر نبو و این علامت صحه عمل است پس  
 بگردد و از آن شجره موسوم آن درخت است خورد و برگهای ریخته دارد و شبیلست بر برك سداب و  
 کله دارد چون کله با قله در ولایت هم در دبار هندستان پیشا است از آن برگها مقدار سه  
 و قهه آب بگردد و بدان محبوس بد که در الحال تمام را بخورد و نوحه بردارد و فریاد عظیم کند پس بگردد  
 یک بزرگ سفالین که بر سر داشته باشد آن محبوس است پاهای بر بستر در آن دیکل هند و بر آب نازد  
 و سیر یک بر آنجا تاده آتش برافروزد تا وقتی که آن مهر آتشور باید که آتش او بغایت تیز باشد و  
 چون آتش مهر آتشور بگردد و بگذارد تا سرشویس آن بگردد بکار در نابر و در درون آب  
 فرو برده سر بگشاید اول استخوانی که بر روی آب بد بگردد و آنچه بعد از او متصاعد گردد هم بگردد و  
 مراد از این عمل عظیم است چون این و استخوان بدست آمد محفوظ بایستد پس هر که خواهد  
 که بازان بیمار این و عظم را برین اود جائی که آسمان را توان بد که در الحال بازان با بریدن بگردد

و چون خواهد که باز ایستد عظیم پوشاند بر یک دیگر مال دبازان منقطع گردد و این بنای مملو  
 به است در هندستان بر این وجه عمل کنند عامه مردم بهین بوقت احتیاج همین سئو بازان بیاض  
 بقدره الله تعالی فصل ویم در اعمال ناموس اصغر انواع آن بسیار است و از  
 مجموع آن پنج نوع آورده میشود در پنج وصل و وصل اول در تعقیبات و تعقیبات کبر  
 اینست که بگرم ورق  $\text{نم}$  و انرا چون  $\text{نم}$  بنالایه و بروغن او  
 چرب کند و بعد از آن در زبل دفن کند و قه که در آنکه رصاص کرده باشد سرش محکم ساخته تبدیل  
 زبل میکند و تعقیبات مبدل چنانچه رسم است تا ذاب از او تولد کند بر صوبه ماز و سیراوشیه  
 باشد بر سرش و مراوداد و چشم سیاه باشد و وبال خود و باید که مقدار از  $\text{نم}$   $\text{نم}$   
 $\text{نم}$  همراه داشته باشد هرگاه که چشم بگشاید اندک از آن بر روی چنانچه در هر شب  
 روزی بمقدار ربع رطل که پنج سپ باشد تخم بار و در دهن و برزد که فی الفور بیاشامد تا  
 سه روز بعد از سه روز بمقدار او قه از ربه  $\text{نم}$   $\text{نم}$  بعضی دم نزدیک او افکند که انرا  
 به الحال بخورد و چهار روز چوب کند چون از تولد او هفت روز بگذرد در آنکه مستفخ  
 شود و شکله مدور پیدا کند پس را بچل چیز از  $\text{نم}$   $\text{نم}$   $\text{نم}$   $\text{نم}$  بروی  
 و برزد که به الحال بیاشامد حرکت او ضعیف شود سیرا ناء و اینست تا سه ساعت بعد از آن بگشاید  
 و کاره نیز در درو راناء برد و برگردان او هفت فرو برد و زور کند تا خون او بر جوشد در آنجا جمع شود  
 و دزان خون خواص بسیار است هر که تحت قدمین خود را بدان بنالاید بر آب تواند رفت که  
 قدمش تر نشود و اگر در آتش رو کف پایش نشود و آتش به الحال فرو نشیند و هر جا که روزی بر  
 قدم او مطوئ گردد و مسافت بسیار در زمان اندک قطع کند و از رفتن بسیار رنج نبرد و اگر  
 از آن قدم در رو خود مالدا از نظر مردم مخفی گردد و اگر در سر مالدا سر خود در زیر آسمان برهنه کند

بازان بارد در غیر متبرج کتاب عفی الله عنه گوید از این تعین در باب موم اکبر است اما  
چون مؤلف در این باب آورده بواجب اول لازم نمود تعین دیگری و این نیز از قوایم  
اکبر باشد است بگردن ۱۰ ۵ ۴ ۳ ۲ ۱ و از آنجمله ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰

بجانب بر حرکت دهد الحمال باران باز آید مؤلف کتاب فرموده که اکثر اعمال  
سیمینا بدین جانور باز بسته است از اخفا و طی الارض و طیران مشی بر آب امثال ان تا کفیت  
ان بیان نکرده و بعامل باز گذاشنه لیکن از غیر اعمال سیمینا خاصیت چند آورده چنانچه عامل  
این شرر لشکر می که باشد ان لشکر بر لشکر دشمن غالب شود و اگر متوجه فتح فلعه شود فی الحال  
مفتوح گردد و بهر حاجت که توجه کند بر آورده می شود و بر هر بیماری که بند مرض او زایل گردد و اگر  
زنی یا کودکی با خود دارد از آفات جن ایمن گردد و حامل او هر چار و در مرم در پی او روند متابع  
نماند اگر از گوشت او بوزن ذایق بکشد دهد فی الحال ۲ مثقال ۵ مثقال ۱۰ مثقال و در زمان  
۴ مثقال ۱۰ مثقال ۱۵ مثقال ۲۰ مثقال ۲۵ مثقال ۳۰ مثقال ۳۵ مثقال ۴۰ مثقال ۴۵ مثقال ۵۰ مثقال ۵۵ مثقال ۶۰ مثقال ۶۵ مثقال ۷۰ مثقال ۷۵ مثقال ۸۰ مثقال ۸۵ مثقال ۹۰ مثقال ۹۵ مثقال ۱۰۰ مثقال  
اند که چون طلوس را بکشند هفت زاغ را بر سر ذبح کنند تا بخون ایشان ملطخ گردد و چهل  
روز در زبل خیل رطب فن کند جانور متولد گردد سیر او چون مرغ و چشم او در تار بکشد  
چون چراغ افروخته و این تمثال را حکاکی بونان کومار پس میگویند معتقد ایشان است که او را  
عرب بسیار باشد زود نمیرد و مراور اعمال بسیار است و سیمینا و هر که او را با خود دارد هر متفرغ  
که خواهد ریخال هر کس را داده کند میتواند کرد و هر صوت بخاطر گذراند متحمله دیگر میتواند بنمایند  
والله اعلم بقصصه دیگر بگرد ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
باشند با ان سیر شده باشد و رسید و از ابد الحام تا پیش کرده در اناء مسین یا روئین افکند  
و در زبل خیل دفن کند تا وقتی که متعفن گردد و از او صوفی در یک روان باشد متولد شود که رؤ  
او بر رؤ انسان مانند و بک او بک مرغ و او زاد و بال باشد چون مرغان او زباده از هفت روز  
نرید شاید قبل از هفت سیر و چون بپزد او را به مرصاف و مومینا و شراب بنالاید در رکوب  
که از پیله باشد به بچد با خود دارد و خواص عجیب مشاهده نماید اول آنکه متوجه هر

[illegible]

موضع که شوزمین و تحت قدم او مطوئ گردد **دویم** از سبع هر چه پیش از ابد چون  
شیر و بزر و پلنگ هم مطیع و شوند چنانچه بر ایشان سوار شود و منقاد و مستخر و به باشند  
سیم ناچهل روز از خوردن طعام و آشامیدن آب مستغنی بود و اگر قبل از میان نمائ  
شکم او را شوق کنند بپای که از آنجا بیرون آید و طرف جلای نگاه دارند فلک و پنبه هر که سر جوین  
از آن آب لوده کرده در گوش بهد کلام حق بشنود و اصوات حیوانات را فهم کند این عمل از جمله  
اسرار مکنون است و رحیم الله امره صلیه کنه **و صل دویم** در تدخینان بجهه انحاء  
شجره و میل او بجانب عامل بگیرد مغر سر لا اله الا الله و استخوان ۴۶ و ۴۷ و ۴۸ و ۴۹ و ۵۰ و ۵۱ و ۵۲ و ۵۳ و ۵۴ و ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ و ۵۸ و ۵۹ و ۶۰ و ۶۱ و ۶۲ و ۶۳ و ۶۴ و ۶۵ و ۶۶ و ۶۷ و ۶۸ و ۶۹ و ۷۰ و ۷۱ و ۷۲ و ۷۳ و ۷۴ و ۷۵ و ۷۶ و ۷۷ و ۷۸ و ۷۹ و ۸۰ و ۸۱ و ۸۲ و ۸۳ و ۸۴ و ۸۵ و ۸۶ و ۸۷ و ۸۸ و ۸۹ و ۹۰ و ۹۱ و ۹۲ و ۹۳ و ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ و ۹۷ و ۹۸ و ۹۹ و ۱۰۰ و ۱۰۱ و ۱۰۲ و ۱۰۳ و ۱۰۴ و ۱۰۵ و ۱۰۶ و ۱۰۷ و ۱۰۸ و ۱۰۹ و ۱۱۰ و ۱۱۱ و ۱۱۲ و ۱۱۳ و ۱۱۴ و ۱۱۵ و ۱۱۶ و ۱۱۷ و ۱۱۸ و ۱۱۹ و ۱۲۰ و ۱۲۱ و ۱۲۲ و ۱۲۳ و ۱۲۴ و ۱۲۵ و ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ و ۱۲۹ و ۱۳۰ و ۱۳۱ و ۱۳۲ و ۱۳۳ و ۱۳۴ و ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ و ۱۳۸ و ۱۳۹ و ۱۴۰ و ۱۴۱ و ۱۴۲ و ۱۴۳ و ۱۴۴ و ۱۴۵ و ۱۴۶ و ۱۴۷ و ۱۴۸ و ۱۴۹ و ۱۵۰ و ۱۵۱ و ۱۵۲ و ۱۵۳ و ۱۵۴ و ۱۵۵ و ۱۵۶ و ۱۵۷ و ۱۵۸ و ۱۵۹ و ۱۶۰ و ۱۶۱ و ۱۶۲ و ۱۶۳ و ۱۶۴ و ۱۶۵ و ۱۶۶ و ۱۶۷ و ۱۶۸ و ۱۶۹ و ۱۷۰ و ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۴ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ و ۱۷۸ و ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ و ۱۸۲ و ۱۸۳ و ۱۸۴ و ۱۸۵ و ۱۸۶ و ۱۸۷ و ۱۸۸ و ۱۸۹ و ۱۹۰ و ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ و ۱۹۴ و ۱۹۵ و ۱۹۶ و ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۹ و ۲۰۰ و ۲۰۱ و ۲۰۲ و ۲۰۳ و ۲۰۴ و ۲۰۵ و ۲۰۶ و ۲۰۷ و ۲۰۸ و ۲۰۹ و ۲۱۰ و ۲۱۱ و ۲۱۲ و ۲۱۳ و ۲۱۴ و ۲۱۵ و ۲۱۶ و ۲۱۷ و ۲۱۸ و ۲۱۹ و ۲۲۰ و ۲۲۱ و ۲۲۲ و ۲۲۳ و ۲۲۴ و ۲۲۵ و ۲۲۶ و ۲۲۷ و ۲۲۸ و ۲۲۹ و ۲۳۰ و ۲۳۱ و ۲۳۲ و ۲۳۳ و ۲۳۴ و ۲۳۵ و ۲۳۶ و ۲۳۷ و ۲۳۸ و ۲۳۹ و ۲۴۰ و ۲۴۱ و ۲۴۲ و ۲۴۳ و ۲۴۴ و ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ و ۲۴۹ و ۲۵۰ و ۲۵۱ و ۲۵۲ و ۲۵۳ و ۲۵۴ و ۲۵۵ و ۲۵۶ و ۲۵۷ و ۲۵۸ و ۲۵۹ و ۲۶۰ و ۲۶۱ و ۲۶۲ و ۲۶۳ و ۲۶۴ و ۲۶۵ و ۲۶۶ و ۲۶۷ و ۲۶۸ و ۲۶۹ و ۲۷۰ و ۲۷۱ و ۲۷۲ و ۲۷۳ و ۲۷۴ و ۲۷۵ و ۲۷۶ و ۲۷۷ و ۲۷۸ و ۲۷۹ و ۲۸۰ و ۲۸۱ و ۲۸۲ و ۲۸۳ و ۲۸۴ و ۲۸۵ و ۲۸۶ و ۲۸۷ و ۲۸۸ و ۲۸۹ و ۲۹۰ و ۲۹۱ و ۲۹۲ و ۲۹۳ و ۲۹۴ و ۲۹۵ و ۲۹۶ و ۲۹۷ و ۲۹۸ و ۲۹۹ و ۳۰۰ و ۳۰۱ و ۳۰۲ و ۳۰۳ و ۳۰۴ و ۳۰۵ و ۳۰۶ و ۳۰۷ و ۳۰۸ و ۳۰۹ و ۳۱۰ و ۳۱۱ و ۳۱۲ و ۳۱۳ و ۳۱۴ و ۳۱۵ و ۳۱۶ و ۳۱۷ و ۳۱۸ و ۳۱۹ و ۳۲۰ و ۳۲۱ و ۳۲۲ و ۳۲۳ و ۳۲۴ و ۳۲۵ و ۳۲۶ و ۳۲۷ و ۳۲۸ و ۳۲۹ و ۳۳۰ و ۳۳۱ و ۳۳۲ و ۳۳۳ و ۳۳۴ و ۳۳۵ و ۳۳۶ و ۳۳۷ و ۳۳۸ و ۳۳۹ و ۳۴۰ و ۳۴۱ و ۳۴۲ و ۳۴۳ و ۳۴۴ و ۳۴۵ و ۳۴۶ و ۳۴۷ و ۳۴۸ و ۳۴۹ و ۳۵۰ و ۳۵۱ و ۳۵۲ و ۳۵۳ و ۳۵۴ و ۳۵۵ و ۳۵۶ و ۳۵۷ و ۳۵۸ و ۳۵۹ و ۳۶۰ و ۳۶۱ و ۳۶۲ و ۳۶۳ و ۳۶۴ و ۳۶۵ و ۳۶۶ و ۳۶۷ و ۳۶۸ و ۳۶۹ و ۳۷۰ و ۳۷۱ و ۳۷۲ و ۳۷۳ و ۳۷۴ و ۳۷۵ و ۳۷۶ و ۳۷۷ و ۳۷۸ و ۳۷۹ و ۳۸۰ و ۳۸۱ و ۳۸۲ و ۳۸۳ و ۳۸۴ و ۳۸۵ و ۳۸۶ و ۳۸۷ و ۳۸۸ و ۳۸۹ و ۳۹۰ و ۳۹۱ و ۳۹۲ و ۳۹۳ و ۳۹۴ و ۳۹۵ و ۳۹۶ و ۳۹۷ و ۳۹۸ و ۳۹۹ و ۴۰۰ و ۴۰۱ و ۴۰۲ و ۴۰۳ و ۴۰۴ و ۴۰۵ و ۴۰۶ و ۴۰۷ و ۴۰۸ و ۴۰۹ و ۴۱۰ و ۴۱۱ و ۴۱۲ و ۴۱۳ و ۴۱۴ و ۴۱۵ و ۴۱۶ و ۴۱۷ و ۴۱۸ و ۴۱۹ و ۴۲۰ و ۴۲۱ و ۴۲۲ و ۴۲۳ و ۴۲۴ و ۴۲۵ و ۴۲۶ و ۴۲۷ و ۴۲۸ و ۴۲۹ و ۴۳۰ و ۴۳۱ و ۴۳۲ و ۴۳۳ و ۴۳۴ و ۴۳۵ و ۴۳۶ و ۴۳۷ و ۴۳۸ و ۴۳۹ و ۴۴۰ و ۴۴۱ و ۴۴۲ و ۴۴۳ و ۴۴۴ و ۴۴۵ و ۴۴۶ و ۴۴۷ و ۴۴۸ و ۴۴۹ و ۴۵۰ و ۴۵۱ و ۴۵۲ و ۴۵۳ و ۴۵۴ و ۴۵۵ و ۴۵۶ و ۴۵۷ و ۴۵۸ و ۴۵۹ و ۴۶۰ و ۴۶۱ و ۴۶۲ و ۴۶۳ و ۴۶۴ و ۴۶۵ و ۴۶۶ و ۴۶۷ و ۴۶۸ و ۴۶۹ و ۴۷۰ و ۴۷۱ و ۴۷۲ و ۴۷۳ و ۴۷۴ و ۴۷۵ و ۴۷۶ و ۴۷۷ و ۴۷۸ و ۴۷۹ و ۴۸۰ و ۴۸۱ و ۴۸۲ و ۴۸۳ و ۴۸۴ و ۴۸۵ و ۴۸۶ و ۴۸۷ و ۴۸۸ و ۴۸۹ و ۴۹۰ و ۴۹۱ و ۴۹۲ و ۴۹۳ و ۴۹۴ و ۴۹۵ و ۴۹۶ و ۴۹۷ و ۴۹۸ و ۴۹۹ و ۵۰۰ و ۵۰۱ و ۵۰۲ و ۵۰۳ و ۵۰۴ و ۵۰۵ و ۵۰۶ و ۵۰۷ و ۵۰۸ و ۵۰۹ و ۵۱۰ و ۵۱۱ و ۵۱۲ و ۵۱۳ و ۵۱۴ و ۵۱۵ و ۵۱۶ و ۵۱۷ و ۵۱۸ و ۵۱۹ و ۵۲۰ و ۵۲۱ و ۵۲۲ و ۵۲۳ و ۵۲۴ و ۵۲۵ و ۵۲۶ و ۵۲۷ و ۵۲۸ و ۵۲۹ و ۵۳۰ و ۵۳۱ و ۵۳۲ و ۵۳۳ و ۵۳۴ و ۵۳۵ و ۵۳۶ و ۵۳۷ و ۵۳۸ و ۵۳۹ و ۵۴۰ و ۵۴۱ و ۵۴۲ و ۵۴

و قشرب نماید تا وقتی که دیگر تشرب نکند آنکه بر دارد و در ظرف جای از غبار محفوظ سازد و هر  
گاه خواهد یکمقال تناول فرماید بعد از ریاضت چند وزه تادوهفتسه و سه هفتسه بعدا محتاج  
نشد نوع دیگر و این از اعمال بزرگ است بگردان  $\text{عقده}$  و باب شین  
بحوشاند و در افتاب خشک کند یا با نش تجفیف نماید پس ازان بجوبدنرم و بوزن او از هر دو  
 $\text{عقده}$  از هر دو جلد عشر و مثل او  $\text{عقده}$  ایضا پاک از فضول و  
هر کس را جدا بگوید باید یک مخلوط ساخته دیگر باره بسابد تا نیک مروج و مختلط گردند پس مسح  
اورا با این و مسحویا میرد و بار دیگر همه زانها هم مسح نماید حت سار و هر چه بوزن و ذاتک  
وقتی که معده از طعام خالی باشد بدست بلع کن که یک هفته از طعام مستقر نباشد زندها که بردارد  
این و اطعام و غذا نخورد که بیم هلاک باشد زباده از دودانک نیز مهلك است چقدر لافز کرد  
و عظیم منقبض سازد و مشاخران شرط کرده اند که اول مقیم مدین باید کرد از اخلاط رده و شرابی  
از سد و خطی نباید نوشید پس مقداره سیراب گرم باید خورد و دواز ابکار باید برد و حجه که  
گفته شد و اگر کسی خواهد که باز عثو کند بدان غذای که بدان متعاد بود دیگر باره تنقه باید برد  
و خطی کند که دوا فرماید چون سیاه سوخته و بعد از ان اندک اندک غذا باید خورد تا بقرار  
اصل باز رود گفته اند که اگر از محقق اول بوزن و مقال باز طبع از سوبق آنچه بخورد همین  
عمل کند یعنی تا یک هفته بطعام خوردن محتاج نشود و تقدیم ریاضت بر تناول دوا از جمله  
واجبات نوع دیگر فرا گیرد  $\text{عقده}$  مقرر از قشرین و انرا در  $\text{عقده}$   
 $\text{عقده}$  در آغاز شب و با مزاد پیون ارد و نثر کند بر روی پاک در افتاب حر بهر آن  
ناخنک گردد باز تجدید عمل کند یعنی در  $\text{عقده}$  جدید اغشته سازد و شیء روز تمیز  
برین عمل مداومت نماید تا پانزده روز که ان منقوع مشمس نرم گردد چون مؤود دیگر شرب

[illegible]

چهارم در ناموس السهره که خواهد که خواب نکند بگردن و لا تلبس و زنج  
کند و این اشکارا بر روی نو نویسد و قی که فرد رقتل حرفه باشد مایه ام قلید بوج  
بهد باز ازاد چپ دوخته از گردن که تعلیق کند و نام او بهان خون نوشته باشد بز  
آن دعوے مادام که آن شئی از گردن و افینیه باشد خواب نکند اشکارا ایست ط اوش  
طلویش بها لها یهبط توکل یا عنقود بحق هذه الأيمان العهود وبالأسم العظيم الله  
أنفج الماء لوسی علیه السلام ببر کیه من الصخر والجبل وهو اسم دوم نوع  
دیگر جانور که او را ح ۶ ص ۹ خوانند بگردن و یکشد و در وقت قتل ملاحظه نماید  
که یک چشم او بسته باشد یکی گشاده آن عین مفوح را برین کند و در روی پاک دوخته از  
گردن دراز و بر خوابش نباید تا وقتی که از گردن برین کند و گفته اند عین ح ۶ ص ۱۰ ه  
ح ۵ هین خاصیت دارد نوع دیگر بگردن اسطرک و جبال بل وزبل ۴ لا  
ح ۱ ص ۹ و از این بدستر از هر یک جزویم همه را بگوید نیز و بر انگشت افروخته بخیر  
کند توان بشام هر که رسد آن خواب نکند بقدر حضرت الله تعالى وصلیخیم در  
ناموس الاحمال بهترین کلمات است که سبب رؤیت روحانیان شود و انرا کل اعظم گویند و  
عسل برای بوجاست که بگردن چشم ح ۱ ص ۸ و چشم ح ۱ ص ۸ و عین ثله ۴ ح ۳  
ح ۱ ص ۸ + لا ح ۱ ص ۸ + ح ۲ ص ۸ و ده ح ۱ ص ۸ + ح ۲ ص ۸  
ومزاره ح ۱ ص ۸ و عین ح ۱ ص ۸ استوبرم ومزاره او وهم را خشک سازد و در موضع که  
او از خروس بدانجا نرسد بعد از جفاف بگوید عجیب کند بسمل آتش ندیده و در زیر پشته  
که از مس پاک قلبه ناداده باشد با طرفه حاجی بر آتش خدا داد و دان بالا رود و در پشت  
بادر طرف جمع شود تا وقتی که تمام آن نبود پس آن دوده را که کل اعظم است آن محل را بمالد

سق کند و هرگاه خواهد بوزن و دانه بخورد تازه روز بعد احتاج شود اما پیش از آن چند  
 روز به ریاضت باید کشید باینکه از مارپاک و خاله شود نوع دیگر عمل متاخر است  
 بشاننداب ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ و کثیرا و نازک بخشد بعد وزن  
 مجموع ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ و عمل چنانکه بهم آمد همچون شود اما لبوب مقشر باید  
 و همه اجزا برابر و برابر همه همچون کند و بکاربرد بشرایط مذکوره اما نوا میسر اشربه سفوفیت  
 که منع از شرب آب کند بیکر چکن غراب خشک کنی باینکه با ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰  
 ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ بیا میرد و اول باید که ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰  
 مغشوب بوده باشد بکشانه روز و پیرن آورده و خشک ساخته و سرگردانید و آبشکافد دل  
 او پیرن آرد و خشک کنی چنانچه گفته شد با دار و اول بیا میرد و قدری از آن بر آب افکند و نوشد  
 دروغن کا و سیاه از پی آن نوشد که اصلاح ضرر آن فرموده مدتی از شرب آن منع کرد  
 نوع دیگر بیکر ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ صاف کرده بیا میرد و بمقدار جوی میل کند از شرب آن منع کرد  
 نوع دیگر که محتاج بطعام و شراب نشود و گویند افلاطون از این و اهر چهل روز یک  
 مشغال مینوشید و محتاج بغذا نمیشد بسانند در طل ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ و پوست از جذا  
 کند و در دهن لا و لایح نماید تا خشک گردد و برک ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ در دهن افکند  
 سه روز در بطن الفریس فن کند و پیرن آورده اخراج دهن کند نگاه دارد بکد ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰  
 و کبد ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ طبع کند در روغن لا و لایح و ورق ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ کومر در رو  
 افکند و چون بخت شد خشک کند بر پرد و با دهن محفوظ بماند بوقت حاجت بکار برسد  
 هر یک شغال از آنرا بمصله چهل روز بکار برد از آن غذا مستخرج میازد و الله اعلم فیصل

[illegible][illegible]

بگیرد و بخرود در درون پنه او فرو بران سر را در زیر اینچاک دفن کند و بقیه جسم دم مد بوسه را با  
احتیاط اجزاء در آب فکند از آن آب بر اینچاک ریختن تا وقتی که ذرات سبز شود و برود چهل روز را برساند  
سه جبه بران بد پلایه باشد و از آب دارد و بکنار خود رود که در او آب و آن بوی و آنه جبراد را بکند  
دو دانم بریز آب فرو ریخته بر سر آب پلایه را فرآور و در دهان هفت کلم نکند از نظر مخفی کردن و در  
دام که ساکت باشد آن جبه در زیر زبان بپوشد و از این پند او هر کس را بپند چون سخن گوید عمل باطل  
شود و هر کس از این پند فصل و می در عمل وسط و آن چنانست که بخرود و غرافه روز در  
۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
بلایان رسد باید که جبه را بر آرد ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
در خه برود تمام برود چون برسد باید که بک جبراضایع نکند بلکه هر راجع سازد و جلاله بنشیند  
اینکه در پیش رو خود کرد و بدست چپ بدست راست بک جبه در دهان هفت دانم بنگرد هرگاه  
که خود را در این پند از آن جاصل است از آنگاه دارد و باقیه ایفکند و بوقت خلجان جبراد در زیر  
زبان گیرد هیچ کس از این پند را او هر کس را معاینه بنشیند نشان صحت این عمل است که آن تخم پرورده را در  
۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
باید کرد فصل سیم در عمل سبز بگوید ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
کاشنه باشد دفن کند و در دود پنه او و تخم خروغ بگارد و به ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
گرداند و بر گرداگرد او آتیه بکشد بگارد و در دود آتیه بگارد و در دود و هفت دانم باشد  
کشد بر زمین یکدیکر و هر روز مقدار از شراب مذکور برنج این شجره باید که پنج چند این شجره برسد و  
جوب پدید آید پس امتحان باید کرد با این شجره چنانچه گذشت و مترجم گوید که دانه خروغ بخرود و این عمل در اعمال  
دیگر بکار میآید چنانچه در سراسر این کتاب مذکور است و از اینست بشخ موحد محقق حسین بن منصور حلاج

قدس سره کند و حق است که آن مصنف بیوف بن احمد حلاج است و او صاحب شهاب طلمانی بوده و هر  
نقد بر نقد بریم ترجمه کتاب سراسر در اصل چهارم ایراد خواهیم کرد و من الله التوفیق فصل  
و می در اعمال جزیه خندان سه نوع است تعلیق و اکحال و اکشاهریک در وصله مذکور  
خواهد شد وصل اول در تعلیق و آن عبارتست از آنکه چهره بر خوبندند تا از خود را بزنند  
و پنج نوع از این عمل بنظر رسد اول نویسنده این پند را بگوید که از جوب ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
تراشیده باشد بمشک و زعفران قبل از طلوع آفتاب هر روز که باشد چهارشنبه هجری است نوشته را  
در موم بگرد و از گردن را بپوشد هر جا که رود و کجا از این پند عرصه طار و می  
نویسد بر هر بر سفید در روز عطارد و ساعت و درم بپوشد قدری از تخم سمک بپاشد و بپاشد و در  
رکوبه پاکیزه با خود دارد از نظر خلق مخفی گردد بسم الله الرحمن الرحیم یا تحشیا یا نفشیا یا ملیشا  
یا صلیشا یا رهیشا یا هلیلا یا اعیشا یا طویشا یا و خشا یا صایا یا محیشا این دو عمل محتاج  
بجری است و هو اعلم سیم بگوید بد راست ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
چپ بند و سخن مگو و بخند تا نوه کس را بپوشد و کس را بپوشد چهارم بکشد ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
و بر بازو خود هر جا که رود کجا از این پند پنجم بیارد ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
و خون و مغز سر او هر رختش هم بپاشد و در سایه خشک کند و بگوید پس از آن در صحنه کتان پاکیزه  
هفت دانم ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
و می در اکحال بگوید هزاره ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰  
نویسد و از این پوست نوشته سره دانه سازد چنانکه نوشته بر داخل سره دانه باشد

[illegible]

باب که ممزوج باشد به **۴۰** **۴۱** **۴۲** **۴۳** **۴۴** **۴۵** **۴۶** **۴۷** **۴۸** **۴۹** **۵۰** **۵۱** **۵۲** **۵۳** **۵۴** **۵۵** **۵۶** **۵۷** **۵۸** **۵۹** **۶۰** **۶۱** **۶۲** **۶۳** **۶۴** **۶۵** **۶۶** **۶۷** **۶۸** **۶۹** **۷۰** **۷۱** **۷۲** **۷۳** **۷۴** **۷۵** **۷۶** **۷۷** **۷۸** **۷۹** **۸۰** **۸۱** **۸۲** **۸۳** **۸۴** **۸۵** **۸۶** **۸۷** **۸۸** **۸۹** **۹۰** **۹۱** **۹۲** **۹۳** **۹۴** **۹۵** **۹۶** **۹۷** **۹۸** **۹۹** **۱۰۰** **۱۰۱** **۱۰۲** **۱۰۳** **۱۰۴** **۱۰۵** **۱۰۶** **۱۰۷** **۱۰۸** **۱۰۹** **۱۱۰** **۱۱۱** **۱۱۲** **۱۱۳** **۱۱۴** **۱۱۵** **۱۱۶** **۱۱۷** **۱۱۸** **۱۱۹** **۱۲۰** **۱۲۱** **۱۲۲** **۱۲۳** **۱۲۴** **۱۲۵** **۱۲۶** **۱۲۷** **۱۲۸** **۱۲۹** **۱۳۰** **۱۳۱** **۱۳۲** **۱۳۳** **۱۳۴** **۱۳۵** **۱۳۶** **۱۳۷** **۱۳۸** **۱۳۹** **۱۴۰** **۱۴۱** **۱۴۲** **۱۴۳** **۱۴۴** **۱۴۵** **۱۴۶** **۱۴۷** **۱۴۸** **۱۴۹** **۱۵۰** **۱۵۱** **۱۵۲** **۱۵۳** **۱۵۴** **۱۵۵** **۱۵۶** **۱۵۷** **۱۵۸** **۱۵۹** **۱۶۰** **۱۶۱** **۱۶۲** **۱۶۳** **۱۶۴** **۱۶۵** **۱۶۶** **۱۶۷** **۱۶۸** **۱۶۹** **۱۷۰** **۱۷۱** **۱۷۲** **۱۷۳** **۱۷۴** **۱۷۵** **۱۷۶** **۱۷۷** **۱۷۸** **۱۷۹** **۱۸۰** **۱۸۱** **۱۸۲** **۱۸۳** **۱۸۴** **۱۸۵** **۱۸۶** **۱۸۷** **۱۸۸** **۱۸۹** **۱۹۰** **۱۹۱** **۱۹۲** **۱۹۳** **۱۹۴** **۱۹۵** **۱۹۶** **۱۹۷** **۱۹۸** **۱۹۹** **۲۰۰** **۲۰۱** **۲۰۲** **۲۰۳** **۲۰۴** **۲۰۵** **۲۰۶** **۲۰۷** **۲۰۸** **۲۰۹** **۲۱۰** **۲۱۱** **۲۱۲** **۲۱۳** **۲۱۴** **۲۱۵** **۲۱۶** **۲۱۷** **۲۱۸** **۲۱۹** **۲۲۰** **۲۲۱** **۲۲۲** **۲۲۳** **۲۲۴** **۲۲۵** **۲۲۶** **۲۲۷** **۲۲۸** **۲۲۹** **۲۳۰** **۲۳۱** **۲۳۲** **۲۳۳** **۲۳۴** **۲۳۵** **۲۳۶** **۲۳۷** **۲۳۸** **۲۳۹** **۲۴۰** **۲۴۱** **۲۴۲** **۲۴۳** **۲۴۴** **۲۴۵** **۲۴۶** **۲۴۷** **۲۴۸** **۲۴۹** **۲۵۰** **۲۵۱** **۲۵۲** **۲۵۳** **۲۵۴** **۲۵۵** **۲۵۶** **۲۵۷** **۲۵۸** **۲۵۹** **۲۶۰** **۲۶۱** **۲۶۲** **۲۶۳** **۲۶۴** **۲۶۵** **۲۶۶** **۲۶۷** **۲۶۸** **۲۶۹** **۲۷۰** **۲۷۱** **۲۷۲** **۲۷۳** **۲۷۴** **۲۷۵** **۲۷۶** **۲۷۷** **۲۷۸** **۲۷۹** **۲۸۰** **۲۸۱** **۲۸۲** **۲۸۳** **۲۸۴** **۲۸۵** **۲۸۶** **۲۸۷** **۲۸۸** **۲۸۹** **۲۹۰** **۲۹۱** **۲۹۲** **۲۹۳** **۲۹۴** **۲۹۵** **۲۹۶** **۲۹۷** **۲۹۸** **۲۹۹** **۳۰۰** **۳۰۱** **۳۰۲** **۳۰۳** **۳۰۴** **۳۰۵** **۳۰۶** **۳۰۷** **۳۰۸** **۳۰۹** **۳۱۰** **۳۱۱** **۳۱۲** **۳۱۳** **۳۱۴** **۳۱۵** **۳۱۶** **۳۱۷** **۳۱۸** **۳۱۹** **۳۲۰** **۳۲۱** **۳۲۲** **۳۲۳** **۳۲۴** **۳۲۵** **۳۲۶** **۳۲۷** **۳۲۸** **۳۲۹** **۳۳۰** **۳۳۱** **۳۳۲** **۳۳۳** **۳۳۴** **۳۳۵** **۳۳۶** **۳۳۷** **۳۳۸** **۳۳۹** **۳۴۰** **۳۴۱** **۳۴۲** **۳۴۳** **۳۴۴** **۳۴۵** **۳۴۶** **۳۴۷** **۳۴۸** **۳۴۹** **۳۵۰** **۳۵۱** **۳۵۲** **۳۵۳** **۳۵۴** **۳۵۵** **۳۵۶** **۳۵۷** **۳۵۸** **۳۵۹** **۳۶۰** **۳۶۱** **۳۶۲** **۳۶۳** **۳۶۴** **۳۶۵** **۳۶۶** **۳۶۷** **۳۶۸** **۳۶۹** **۳۷۰** **۳۷۱** **۳۷۲** **۳۷۳** **۳۷۴** **۳۷۵** **۳۷۶** **۳۷۷** **۳۷۸** **۳۷۹** **۳۸۰** **۳۸۱** **۳۸۲** **۳۸۳** **۳۸۴** **۳۸۵** **۳۸۶** **۳۸۷** **۳۸۸** **۳۸۹** **۳۹**

الذی احتجب به نور دینا في سماء الغيوب اَجِب يا كَسْفَانِيْل  
 بحق هذه الاسماء وعد قرائت ايند عوه در کير چهل و پنج است و در وسط هيچده و در صغير چهل و  
 عدد که خواهد بخواند **دَعْوَت مَشْرِعِي** که تعلق روز پنجشنبه که نوبت تسعة و دهم است  
 بعلقایش عدلیش اسهر تبایش متعال اَجِب يا صَرِيَّا بِل بِحَق هذه الاسماء والكلمات  
 المَهْرَان بِحَقْمِ هَجْمَةِ مَكِّي كَسْبِ مَطْعِ طِبْشَانِ الْعِل الْعِل يا صَرِيَّا بِل بِحَق الحمد الخاصة  
 در يائيل و عد يائيل و صَرِيَّا بِل و عد نلاون اين عود در کير هشتاد و پنج است و در وسط  
 چهارده است و در صغير پنج **دَعْوَت مَرْنَحِي** که متعلق بر روز سه شنبه است در تسعة  
 سَم نِيلَهُون قَرَهَر هَر خَر يُوْش اَبْرُوش هَيُوش رَبُّ الْعَرْشِ وَالسَّلْطَان طَوَا طَوَا  
 طَوَا بَاعَد يَنَار هَيَا هَيَا اَلْوَا الْعِل الْعِل يا صَرِيَّا بِل بِحَق هذه الاسماء اَجِب  
 و عد خواندن ايند عوه در کير هشتاد و پنج است و در وسط سيزده و در صغير چهار  
**دَعْوَت شَمْسِي** که تعلق بر روز يكشنبه ارد نوبت تسعة چهارم است بيدلوش هياش  
 مَبْدَلُوش رَهْمَقَاش بِلْشَاش صَعْيُوش طَلُوش طَهْمَاش اَجِب يا رُوفِل بِحَق هذه الاسماء  
 يا رُوفِئِيل يا رُوفِئِيل و عد قرائت ايند عوه در کير چهار صد است و در وسط سيزده و در  
 صغير چهار **دَعْوَت زَهْرَه** که تعلق بر روز جمعه ارد و تسعة پنجم است و بيدلوش  
 هَمَقَلْيُوش دُرْمَاش لَمَاش شَمَاش رَهْوش ظَهَاش اَجِب يا غَنِيَّا بِل بِحَق هذه الاسماء عَلَيْكَ  
 و نصاب اين عوه در کير و بست هفتاد است و در وسط نو ترده و در صغير بالمرشده و بالمرش  
 يك **دَعْوَت عِطَارِي** که متعلق بر روز چهارشنبه است و تسعة ششم هَيُوش اَلُوش  
 حُلْ سَيَا هَبْكَش دَاوَلْش مَلِكْش دُرْمَاش مَلِكْش اَلْعِل يا مَكِّيَّا بِل بِحَق هذه الاسماء عَلَيْكَ  
 و نصاب اين عوه در کير و بست و هشتاد و چهار است و در وسط بيست و سه و در صغير پنج

**دَعْوَت قَمَرِي** که تعلق بر روز شنبه ارد و عد يروش هاديش اَبْرُوش مَطْلُش طِمَاش  
 يا شَرِيَّا نُوْش اَلْوَا بِل بِحَق هذه الاسماء و عد قرائت ايند عوه در کير  
 سصد و چهلست و در هر يك از وسط و صغير هفت و الله اعلم **فَصْل دَوِيمِي** در خواص  
 و منافع اين جوب قبل از اين گذشت که عنايد اين شهر را در خريطها بايد کرد تا چي فون شود  
 و چون جانا خشل کرد و جفا في کامل يا بدلا از جع قشور پاك يا بايد کرد و بمرات امتحان بايد  
 فرمود چنانچه پيش از اين انسه شد تا بخت خفا بدست آيد چون ان جت حاصل شد بواجب جوتا  
 در آب بايد افکند و چون در آب افکند ببيند که بعضي از جات بر رو آب ايد بعضي در ميان آب  
 ساکن گردد و بر چه در وسط آب متحرک باشد بعضي در تنگ آب قرار گندند و از جات با بکد کبر  
 ملاحظه کردند مقدار در تنگ آب منق شوند هر نوعي از اين جوتا را در شايسته است و خواص  
 اينها در هفت صل رقم اثبات ميبايد **وَصَلِّ اَوَّل** در جت خفا و ان خاص براي هين  
 کار است چون ان جت بواسطه امتحان زانبيه بدست آيد فرا بايد گرفت و نگاه بايد داشت و از  
 شش نوع ديگر که گفته شد از هر يك يك جمع بايد کرد بکوفت و بکوفته بپكو و پراهن و ستراي بايد که  
 اطراف ان سحنيان باشد پس بوقت حاجت انجمله بايد پوشيد بدان جتا کوفته نمي بايد کرد  
 و در روز جمعه مذکور پس از ان جت خفا در دهان بايد نهاد تا غائب شود از چشم مردمان يا دین  
 الله تبارک و تعالی و پيش از غايب شدن اينطلسما ترا نوشه توانست في الغور از نظر خلق مخيان  
 خواهد کرد و بدو طلسمات مذکور اينست **ط ۱ ط ۲ ط ۳ ط ۴ ط ۵ ط ۶ ط ۷ ط ۸ ط ۹ ط ۱۰ ط ۱۱ ط ۱۲ ط ۱۳ ط ۱۴ ط ۱۵ ط ۱۶ ط ۱۷ ط ۱۸ ط ۱۹ ط ۲۰ ط ۲۱ ط ۲۲ ط ۲۳ ط ۲۴ ط ۲۵ ط ۲۶ ط ۲۷ ط ۲۸ ط ۲۹ ط ۳۰ ط ۳۱ ط ۳۲ ط ۳۳ ط ۳۴ ط ۳۵ ط ۳۶ ط ۳۷ ط ۳۸ ط ۳۹ ط ۴۰ ط ۴۱ ط ۴۲ ط ۴۳ ط ۴۴ ط ۴۵ ط ۴۶ ط ۴۷ ط ۴۸ ط ۴۹ ط ۵۰ ط ۵۱ ط ۵۲ ط ۵۳ ط ۵۴ ط ۵۵ ط ۵۶ ط ۵۷ ط ۵۸ ط ۵۹ ط ۶۰ ط ۶۱ ط ۶۲ ط ۶۳ ط ۶۴ ط ۶۵ ط ۶۶ ط ۶۷ ط ۶۸ ط ۶۹ ط ۷۰ ط ۷۱ ط ۷۲ ط ۷۳ ط ۷۴ ط ۷۵ ط ۷۶ ط ۷۷ ط ۷۸ ط ۷۹ ط ۸۰ ط ۸۱ ط ۸۲ ط ۸۳ ط ۸۴ ط ۸۵ ط ۸۶ ط ۸۷ ط ۸۸ ط ۸۹ ط ۹۰ ط ۹۱ ط ۹۲ ط ۹۳ ط ۹۴ ط ۹۵ ط ۹۶ ط ۹۷ ط ۹۸ ط ۹۹ ط ۱۰۰ ط ۱۰۱ ط ۱۰۲ ط ۱۰۳ ط ۱۰۴ ط ۱۰۵ ط ۱۰۶ ط ۱۰۷ ط ۱۰۸ ط ۱۰۹ ط ۱۱۰ ط ۱۱۱ ط ۱۱۲ ط ۱۱۳ ط ۱۱۴ ط ۱۱۵ ط ۱۱۶ ط ۱۱۷ ط ۱۱۸ ط ۱۱۹ ط ۱۲۰ ط ۱۲۱ ط ۱۲۲ ط ۱۲۳ ط ۱۲۴ ط ۱۲۵ ط ۱۲۶ ط ۱۲۷ ط ۱۲۸ ط ۱۲۹ ط ۱۳۰ ط ۱۳۱ ط ۱۳۲ ط ۱۳۳ ط ۱۳۴ ط ۱۳۵ ط ۱۳۶ ط ۱۳۷ ط ۱۳۸ ط ۱۳۹ ط ۱۴۰ ط ۱۴۱ ط ۱۴۲ ط ۱۴۳ ط ۱۴۴ ط ۱۴۵ ط ۱۴۶ ط ۱۴۷ ط ۱۴۸ ط ۱۴۹ ط ۱۵۰ ط ۱۵۱ ط ۱۵۲ ط ۱۵۳ ط ۱۵۴ ط ۱۵۵ ط ۱۵۶ ط ۱۵۷ ط ۱۵۸ ط ۱۵۹ ط ۱۶۰ ط ۱۶۱ ط ۱۶۲ ط ۱۶۳ ط ۱۶۴ ط ۱۶۵ ط ۱۶۶ ط ۱۶۷ ط ۱۶۸ ط ۱۶۹ ط ۱۷۰ ط ۱۷۱ ط ۱۷۲ ط ۱۷۳ ط ۱۷۴ ط ۱۷۵ ط ۱۷۶ ط ۱۷۷ ط ۱۷۸ ط ۱۷۹ ط ۱۸۰ ط ۱۸۱ ط ۱۸۲ ط ۱۸۳ ط ۱۸۴ ط ۱۸۵ ط ۱۸۶ ط ۱۸۷ ط ۱۸۸ ط ۱۸۹ ط ۱۹۰ ط ۱۹۱ ط ۱۹۲ ط ۱۹۳ ط ۱۹۴ ط ۱۹۵ ط ۱۹۶ ط ۱۹۷ ط ۱۹۸ ط ۱۹۹ ط ۲۰۰ ط ۲۰۱ ط ۲۰۲ ط ۲۰۳ ط ۲۰۴ ط ۲۰۵ ط ۲۰۶ ط ۲۰۷ ط ۲۰۸ ط ۲۰۹ ط ۲۱۰ ط ۲۱۱ ط ۲۱۲ ط ۲۱۳ ط ۲۱۴ ط ۲۱۵ ط ۲۱۶ ط ۲۱۷ ط ۲۱۸ ط ۲۱۹ ط ۲۲۰ ط ۲۲۱ ط ۲۲۲ ط ۲۲۳ ط ۲۲۴ ط ۲۲۵ ط ۲۲۶ ط ۲۲۷ ط ۲۲۸ ط ۲۲۹ ط ۲۳۰ ط ۲۳۱ ط ۲۳۲ ط ۲۳۳ ط ۲۳۴ ط ۲۳۵ ط ۲۳۶ ط ۲۳۷ ط ۲۳۸ ط ۲۳۹ ط ۲۴۰ ط ۲۴۱ ط ۲۴۲ ط ۲۴۳ ط ۲۴۴ ط ۲۴۵ ط ۲۴۶ ط ۲۴۷ ط ۲۴۸ ط ۲۴۹ ط ۲۵۰ ط ۲۵۱ ط ۲۵۲ ط ۲۵۳ ط ۲۵۴ ط ۲۵۵ ط ۲۵۶ ط ۲۵۷ ط ۲۵۸ ط ۲۵۹ ط ۲۶۰ ط ۲۶۱ ط ۲۶۲ ط ۲۶۳ ط ۲۶۴ ط ۲۶۵ ط ۲۶۶ ط ۲۶۷ ط ۲۶۸ ط ۲۶۹ ط ۲۷۰ ط ۲۷۱ ط ۲۷۲ ط ۲۷۳ ط ۲۷۴ ط ۲۷۵ ط ۲۷۶ ط ۲۷۷ ط ۲۷۸ ط ۲۷۹ ط ۲۸۰ ط ۲۸۱ ط ۲۸۲ ط ۲۸۳ ط ۲۸۴ ط ۲۸۵ ط ۲۸۶ ط ۲۸۷ ط ۲۸۸ ط ۲۸۹ ط ۲۹۰ ط ۲۹۱ ط ۲۹۲ ط ۲۹۳ ط ۲۹۴ ط ۲۹۵ ط ۲۹۶ ط ۲۹۷ ط ۲۹۸ ط ۲۹۹ ط ۳۰۰ ط ۳۰۱ ط ۳۰۲ ط ۳۰۳ ط ۳۰۴ ط ۳۰۵ ط ۳۰۶ ط ۳۰۷ ط ۳۰۸ ط ۳۰۹ ط ۳۱۰ ط ۳۱۱ ط ۳۱۲ ط ۳۱۳ ط ۳۱۴ ط ۳۱۵ ط ۳۱۶ ط ۳۱۷ ط ۳۱۸ ط ۳۱۹ ط ۳۲۰ ط ۳۲۱ ط ۳۲۲ ط ۳۲۳ ط ۳۲۴ ط ۳۲۵ ط ۳۲۶ ط ۳۲۷ ط ۳۲۸ ط ۳۲۹ ط ۳۳۰ ط ۳۳۱ ط ۳۳۲ ط ۳۳۳ ط ۳۳۴ ط ۳۳۵ ط ۳۳۶ ط ۳۳۷ ط ۳۳۸ ط ۳۳۹ ط ۳۴۰ ط ۳۴۱ ط ۳۴۲ ط ۳۴۳ ط ۳۴۴ ط ۳۴۵ ط ۳۴۶ ط ۳۴۷ ط ۳۴۸ ط ۳۴۹ ط ۳۵۰ ط ۳۵۱ ط ۳۵۲ ط ۳۵۳ ط ۳۵۴ ط ۳۵۵ ط ۳۵۶ ط ۳۵۷ ط ۳۵۸ ط ۳۵۹ ط ۳۶۰ ط ۳۶۱ ط ۳۶۲ ط ۳۶۳ ط ۳۶۴ ط ۳۶۵ ط ۳۶۶ ط ۳۶۷ ط ۳۶۸ ط ۳۶۹ ط ۳۷۰ ط ۳۷۱ ط ۳۷۲ ط ۳۷۳ ط ۳۷۴ ط ۳۷۵ ط ۳۷۶ ط ۳۷۷ ط ۳۷۸ ط ۳۷۹ ط ۳۸۰ ط ۳۸۱ ط ۳۸۲ ط ۳۸۳ ط ۳۸۴ ط ۳۸۵ ط ۳۸۶ ط ۳۸۷ ط ۳۸۸ ط ۳۸۹ ط ۳۹۰ ط ۳۹۱ ط ۳۹۲ ط ۳۹۳ ط ۳۹۴ ط ۳۹۵ ط ۳۹۶ ط ۳۹۷ ط ۳۹۸ ط ۳۹۹ ط ۴۰۰ ط ۴۰۱ ط ۴۰۲ ط ۴۰۳ ط ۴۰۴ ط ۴۰۵ ط ۴۰۶ ط ۴۰۷ ط ۴۰۸ ط ۴۰۹ ط ۴۱۰ ط ۴۱۱ ط ۴۱۲ ط ۴۱۳ ط ۴۱۴ ط ۴۱۵ ط ۴۱۶ ط ۴۱۷ ط ۴۱۸ ط ۴۱۹ ط ۴۲۰ ط ۴۲۱ ط ۴۲۲ ط ۴۲۳ ط ۴۲۴ ط ۴۲۵ ط ۴۲۶ ط ۴۲۷ ط ۴۲۸ ط ۴۲۹ ط ۴۳۰ ط ۴۳۱ ط ۴۳۲ ط ۴۳۳ ط ۴۳۴ ط ۴۳۵ ط ۴۳۶ ط ۴۳۷ ط ۴۳۸ ط ۴۳۹ ط ۴۴۰ ط ۴۴۱ ط ۴۴۲ ط ۴۴۳ ط ۴۴۴ ط ۴۴۵ ط ۴۴۶ ط ۴۴۷ ط ۴۴۸ ط ۴۴۹ ط ۴۵۰ ط ۴۵۱ ط ۴۵۲ ط ۴۵۳ ط ۴۵۴ ط ۴۵۵ ط ۴۵۶ ط ۴۵۷ ط ۴۵۸ ط ۴۵۹ ط ۴۶۰ ط ۴۶۱ ط ۴۶۲ ط ۴۶۳ ط ۴۶۴ ط ۴۶۵ ط ۴۶۶ ط ۴۶۷ ط ۴۶۸ ط ۴۶۹ ط ۴۷۰ ط ۴۷۱ ط ۴۷۲ ط ۴۷۳ ط ۴۷۴ ط ۴۷۵ ط ۴۷۶ ط ۴۷۷ ط ۴۷۸ ط ۴۷۹ ط ۴۸۰ ط ۴۸۱ ط ۴۸۲ ط ۴۸۳ ط ۴۸۴ ط ۴۸۵ ط ۴۸۶ ط ۴۸۷ ط ۴۸۸ ط ۴۸۹ ط ۴۹۰ ط ۴۹۱ ط ۴۹۲ ط ۴۹۳ ط ۴۹۴ ط ۴۹۵ ط ۴۹۶ ط ۴۹۷ ط ۴۹۸ ط ۴۹۹ ط ۵۰۰ ط ۵۰۱ ط ۵۰۲ ط ۵۰۳ ط ۵۰۴ ط ۵۰۵ ط ۵۰۶ ط ۵۰۷ ط ۵۰۸ ط ۵۰۹ ط ۵۱۰ ط ۵۱۱ ط ۵۱۲ ط ۵۱۳ ط ۵۱۴ ط ۵۱۵ ط ۵۱۶ ط ۵۱۷ ط ۵۱۸ ط ۵۱۹ ط ۵۲۰ ط ۵۲۱ ط ۵۲۲ ط ۵۲۳ ط ۵۲۴ ط ۵۲۵ ط ۵۲۶ ط ۵۲۷ ط ۵۲۸ ط ۵۲۹ ط ۵۳۰ ط ۵۳۱ ط ۵۳۲ ط ۵۳۳ ط ۵۳۴ ط ۵۳۵ ط ۵۳۶ ط ۵۳۷ ط ۵۳۸ ط ۵۳۹ ط ۵۴۰ ط ۵۴۱ ط ۵۴۲ ط ۵۴۳ ط ۵۴۴ ط ۵۴۵ ط ۵۴۶ ط ۵۴۷ ط ۵۴۸ ط ۵۴۹ ط ۵۵۰ ط ۵۵۱ ط ۵۵۲ ط ۵۵۳ ط ۵۵۴ ط ۵۵۵ ط ۵۵۶ ط ۵۵۷ ط ۵۵۸ ط ۵۵۹ ط ۵۶۰ ط ۵۶۱ ط ۵۶۲ ط ۵۶۳ ط ۵۶۴ ط ۵۶۵ ط ۵۶۶ ط ۵۶۷ ط ۵۶۸ ط ۵۶۹ ط ۵۷۰ ط ۵۷۱ ط ۵۷۲ ط ۵۷۳ ط ۵۷۴ ط ۵۷۵ ط ۵۷۶ ط ۵۷۷ ط ۵۷۸ ط ۵۷۹ ط ۵۸۰ ط ۵۸۱ ط ۵۸۲ ط ۵۸۳ ط ۵۸۴ ط ۵۸۵ ط ۵۸۶ ط ۵۸۷ ط ۵۸۸ ط ۵۸۹ ط ۵۹۰ ط ۵۹۱ ط ۵۹۲ ط ۵۹۳ ط ۵۹۴ ط ۵۹۵ ط ۵۹۶ ط ۵۹۷ ط ۵۹۸ ط ۵۹۹ ط ۶۰۰ ط ۶۰۱ ط ۶۰۲ ط ۶۰۳ ط ۶۰۴ ط ۶۰۵ ط ۶۰۶ ط ۶۰۷ ط ۶۰۸ ط ۶۰۹ ط ۶۱۰ ط ۶۱۱ ط ۶۱۲ ط ۶۱۳ ط ۶۱۴ ط ۶۱۵ ط ۶۱۶ ط ۶۱۷ ط ۶۱۸ ط ۶۱۹ ط ۶۲۰ ط ۶۲۱ ط ۶۲۲ ط ۶۲۳ ط ۶۲۴ ط ۶۲۵ ط ۶۲۶ ط ۶۲۷ ط ۶۲۸ ط ۶۲۹ ط ۶۳۰ ط ۶۳۱ ط ۶۳۲ ط ۶۳۳ ط ۶۳۴ ط ۶۳۵ ط ۶۳۶ ط ۶۳۷ ط ۶۳۸ ط ۶۳۹ ط ۶۴۰ ط ۶۴۱ ط ۶۴۲ ط ۶۴۳ ط ۶۴۴ ط ۶۴۵ ط ۶۴۶ ط ۶۴۷ ط ۶۴۸ ط ۶۴۹ ط ۶۵۰ ط ۶۵۱ ط ۶۵۲ ط ۶۵۳ ط ۶۵۴ ط ۶۵۵ ط ۶۵۶ ط ۶۵۷ ط ۶۵۸ ط ۶۵۹ ط ۶۶۰ ط ۶۶۱ ط ۶۶۲ ط ۶۶۳ ط ۶۶۴ ط ۶۶۵ ط ۶۶۶ ط ۶۶۷ ط ۶۶۸ ط ۶۶۹ ط ۶۷۰ ط ۶۷۱ ط ۶۷۲ ط ۶۷۳ ط ۶۷۴ ط ۶۷۵ ط ۶۷۶ ط ۶۷۷ ط ۶۷۸ ط ۶۷۹ ط ۶۸۰ ط ۶۸۱ ط ۶۸۲ ط ۶۸۳ ط ۶۸۴ ط ۶۸۵ ط ۶۸۶ ط ۶۸۷ ط ۶۸۸ ط ۶۸۹ ط ۶۹۰ ط ۶۹۱ ط ۶۹۲ ط ۶۹۳ ط ۶۹۴ ط ۶۹۵ ط ۶۹۶ ط ۶۹۷ ط ۶۹۸ ط ۶۹۹ ط ۷۰۰ ط ۷۰۱ ط ۷۰۲ ط ۷۰۳ ط ۷۰۴ ط ۷۰۵ ط ۷۰۶ ط ۷۰۷ ط ۷۰۸ ط ۷۰۹ ط ۷۱۰ ط ۷۱۱ ط ۷۱۲ ط ۷۱۳ ط ۷۱۴ ط ۷۱۵ ط ۷۱۶ ط ۷۱۷ ط ۷۱۸ ط ۷۱۹ ط ۷۲۰ ط ۷۲۱ ط ۷۲۲ ط ۷۲۳ ط ۷۲۴ ط ۷۲۵ ط ۷۲۶ ط ۷۲۷ ط ۷۲۸ ط ۷۲۹ ط ۷۳۰ ط ۷۳۱ ط ۷۳۲ ط ۷۳۳ ط ۷۳۴ ط ۷۳۵ ط ۷۳۶ ط ۷۳۷ ط ۷۳۸ ط ۷۳۹ ط ۷۴۰ ط ۷۴۱ ط ۷۴۲ ط ۷۴۳ ط ۷۴۴ ط ۷۴۵ ط ۷۴۶ ط ۷۴۷ ط ۷۴۸ ط ۷۴۹ ط ۷۵۰ ط ۷۵۱ ط ۷۵۲ ط ۷۵۳ ط ۷۵۴ ط ۷۵۵ ط ۷۵۶ ط ۷۵۷ ط ۷۵۸ ط ۷۵۹ ط ۷۶۰ ط ۷۶۱ ط ۷۶۲ ط ۷۶۳ ط ۷۶۴ ط ۷۶۵ ط ۷۶۶ ط ۷۶۷ ط ۷۶۸ ط ۷۶۹ ط ۷۷۰ ط ۷۷۱ ط ۷۷۲ ط ۷۷۳ ط ۷۷۴ ط ۷۷۵ ط ۷۷۶ ط ۷۷۷ ط ۷۷۸ ط ۷۷۹ ط ۷۸۰ ط ۷۸۱ ط ۷۸۲ ط ۷۸۳ ط ۷۸۴ ط ۷۸۵ ط ۷۸۶ ط ۷۸۷ ط ۷۸۸ ط ۷۸۹ ط ۷۹۰ ط ۷۹۱ ط ۷۹۲ ط ۷۹۳ ط ۷۹۴ ط ۷۹۵ ط ۷۹۶ ط ۷۹۷ ط ۷۹۸ ط ۷۹۹ ط ۸۰۰ ط ۸۰۱ ط ۸۰۲ ط ۸۰۳ ط ۸۰۴ ط ۸۰۵ ط ۸۰۶ ط ۸۰۷ ط ۸۰۸ ط ۸۰۹ ط ۸۱۰ ط ۸۱۱ ط ۸۱۲ ط ۸۱۳ ط ۸۱۴ ط ۸۱۵ ط ۸۱۶ ط ۸۱۷ ط ۸۱۸ ط ۸۱۹ ط ۸۲۰ ط ۸۲۱ ط ۸۲۲ ط ۸۲۳ ط ۸۲۴ ط ۸۲۵ ط ۸۲۶ ط ۸۲۷ ط ۸۲۸ ط ۸۲۹ ط ۸۳۰ ط ۸۳۱ ط ۸۳۲ ط ۸۳۳ ط ۸۳۴ ط ۸۳۵ ط ۸۳۶ ط ۸۳۷ ط ۸۳۸ ط ۸۳۹ ط ۸۴۰ ط ۸۴۱ ط ۸۴۲ ط ۸۴۳ ط ۸۴۴ ط ۸۴۵ ط ۸۴۶ ط ۸۴۷ ط ۸۴۸ ط ۸۴۹ ط ۸۵۰ ط ۸۵۱ ط ۸۵۲ ط ۸۵۳ ط ۸۵۴ ط ۸۵۵ ط ۸۵۶ ط ۸۵۷ ط ۸۵۸ ط ۸۵۹ ط ۸۶۰ ط ۸۶۱ ط ۸۶۲ ط ۸۶۳ ط ۸۶۴ ط ۸۶۵ ط ۸۶۶ ط ۸۶۷ ط ۸۶۸ ط ۸۶۹ ط ۸۷۰ ط ۸۷۱ ط ۸۷۲ ط ۸۷۳ ط ۸۷۴ ط ۸۷۵ ط ۸۷۶ ط ۸۷۷ ط ۸۷۸ ط ۸۷۹ ط ۸۸۰ ط ۸۸۱ ط ۸۸۲ ط ۸۸۳ ط ۸۸۴ ط ۸۸۵ ط ۸۸۶ ط ۸۸۷ ط ۸۸۸ ط ۸۸۹ ط ۸۹۰ ط ۸۹۱ ط ۸۹۲ ط ۸۹۳ ط ۸۹۴ ط ۸۹۵ ط ۸۹۶ ط ۸۹۷ ط ۸۹۸ ط ۸۹۹ ط ۹۰۰ ط ۹۰۱ ط ۹۰۲ ط ۹۰۳ ط ۹۰۴ ط ۹۰۵ ط ۹۰۶ ط ۹۰۷ ط ۹۰۸ ط ۹۰۹ ط ۹۱۰ ط ۹۱۱ ط ۹۱۲ ط ۹۱۳ ط ۹۱۴ ط ۹۱۵ ط ۹۱۶ ط ۹۱۷ ط ۹۱۸ ط ۹۱۹ ط ۹۲۰ ط ۹۲۱ ط ۹۲۲ ط ۹۲۳ ط ۹۲۴ ط ۹۲۵ ط ۹۲۶ ط ۹۲۷ ط ۹۲۸ ط ۹۲۹ ط ۹۳۰ ط ۹۳۱ ط ۹۳۲ ط ۹۳۳ ط ۹۳۴ ط ۹۳۵ ط ۹۳۶ ط ۹۳۷ ط ۹۳۸ ط ۹۳۹ ط ۹۴۰ ط ۹۴۱ ط ۹۴۲ ط ۹۴۳ ط ۹۴۴ ط ۹۴۵ ط ۹۴۶ ط ۹۴۷ ط ۹۴۸ ط ۹۴۹ ط ۹۵۰ ط ۹۵۱ ط ۹۵۲ ط ۹۵۳ ط ۹۵۴ ط ۹۵۵ ط ۹۵۶ ط ۹۵۷ ط ۹۵۸ ط ۹۵۹ ط ۹۶۰ ط ۹۶۱ ط ۹۶۲ ط ۹۶۳ ط ۹۶۴ ط ۹۶۵ ط ۹۶۶ ط ۹۶۷ ط ۹۶۸ ط ۹۶۹ ط ۹۷۰ ط ۹۷۱ ط ۹۷۲ ط ۹۷۳ ط ۹۷۴ ط ۹۷۵ ط ۹۷۶ ط ۹۷۷ ط ۹۷۸ ط ۹۷۹ ط ۹۸۰ ط ۹۸۱ ط ۹۸۲ ط ۹۸۳ ط ۹۸۴ ط ۹۸۵ ط ۹۸۶ ط ۹۸۷ ط ۹۸۸ ط ۹۸۹ ط ۹۹۰ ط ۹۹۱ ط ۹۹۲ ط ۹۹۳ ط ۹۹۴ ط ۹۹۵ ط ۹۹۶ ط ۹۹۷ ط ۹۹۸ ط ۹۹۹ ط ۱۰۰۰ ط ۱۰۰۱ ط ۱۰۰۲ ط ۱۰۰۳ ط ۱۰۰۴ ط ۱۰۰۵ ط ۱۰۰۶ ط ۱۰۰۷ ط ۱۰۰۸ ط ۱۰۰۹ ط ۱۰۱۰ ط ۱۰۱۱ ط ۱۰۱۲ ط ۱۰۱۳ ط ۱۰۱۴ ط ۱۰۱۵ ط ۱۰۱۶ ط ۱۰۱۷ ط ۱۰۱۸ ط ۱۰۱۹ ط ۱۰۲۰ ط ۱۰۲۱ ط ۱۰۲۲ ط ۱۰۲۳ ط ۱۰۲۴ ط ۱۰۲۵ ط ۱۰۲۶ ط ۱۰۲۷ ط ۱۰۲۸ ط ۱۰۲۹ ط ۱۰۳۰ ط ۱۰۳۱ ط ۱۰۳۲ ط ۱۰۳۳ ط ۱۰۳۴ ط ۱۰۳۵ ط ۱۰۳۶ ط ۱۰۳۷ ط ۱۰۳۸ ط ۱۰۳۹ ط ۱۰۴۰ ط ۱۰۴۱ ط ۱۰۴۲ ط ۱۰۴۳ ط ۱۰۴۴ ط ۱۰۴۵ ط ۱۰۴۶ ط ۱۰۴۷ ط ۱۰۴۸ ط ۱۰۴۹ ط ۱۰۵۰ ط ۱۰۵۱ ط ۱۰۵۲ ط ۱۰۵۳ ط ۱۰۵۴ ط ۱۰۵۵ ط ۱۰۵۶ ط ۱۰۵۷ ط ۱۰۵۸ ط ۱۰۵۹ ط ۱۰۶۰ ط ۱۰۶۱ ط ۱۰۶۲ ط ۱۰۶۳ ط ۱۰۶۴ ط ۱۰۶۵ ط ۱۰۶۶ ط ۱۰۶۷ ط ۱۰۶۸ ط ۱۰۶۹ ط ۱۰۷۰ ط ۱۰۷۱ ط ۱۰۷۲ ط ۱۰۷۳ ط ۱۰۷۴ ط ۱۰۷۵ ط ۱۰۷۶ ط ۱۰۷۷ ط ۱۰۷۸ ط ۱۰۷۹ ط ۱۰۸۰ ط ۱۰۸۱ ط ۱۰۸۲ ط ۱۰۸۳ ط ۱۰۸۴ ط ۱۰۸۵ ط ۱۰۸۶ ط ۱۰۸۷ ط ۱۰۸۸ ط ۱۰۸۹ ط ۱۰۹۰ ط ۱۰۹۱ ط ۱۰۹۲ ط ۱۰۹۳ ط ۱۰۹۴ ط ۱۰۹۵ ط ۱۰۹۶ ط ۱۰۹۷ ط ۱۰۹۸ ط ۱۰۹۹ ط ۱۱۰۰ ط ۱۱۰۱ ط ۱۱۰۲ ط ۱۱۰۳ ط ۱۱۰۴ ط ۱۱۰۵ ط ۱۱۰۶ ط ۱۱۰۷ ط ۱۱۰۸ ط ۱۱۰۹ ط ۱۱۱۰ ط ۱۱۱۱ ط ۱۱۱۲ ط ۱۱۱۳ ط ۱۱۱۴ ط ۱۱۱۵ ط ۱۱۱۶ ط ۱۱۱۷ ط ۱۱۱۸ ط ۱۱۱۹ ط ۱۱۲۰ ط ۱۱۲۱ ط ۱۱۲۲ ط ۱۱۲۳ ط ۱۱۲۴ ط ۱۱۲۵ ط ۱۱۲۶ ط ۱۱۲۷ ط ۱۱۲۸ ط ۱۱۲۹ ط ۱۱۳۰ ط ۱۱۳۱ ط ۱۱۳۲ ط ۱۱۳۳ ط ۱۱۳۴ ط ۱۱۳۵ ط ۱۱۳۶ ط ۱۱۳۷ ط ۱۱۳۸ ط ۱۱۳۹ ط ۱۱۴۰ ط ۱۱۴۱ ط ۱۱۴۲ ط ۱۱۴۳ ط ۱۱۴۴ ط ۱۱۴۵ ط ۱۱۴۶ ط ۱۱۴۷ ط ۱۱۴۸ ط ۱۱۴۹ ط ۱۱۵۰ ط ۱۱۵۱ ط ۱۱۵۲ ط ۱۱۵۳ ط ۱۱۵۴ ط ۱۱۵۵ ط ۱۱۵۶ ط ۱۱۵۷ ط ۱۱۵۸ ط ۱۱۵۹ ط ۱۱۶۰ ط ۱۱۶۱ ط ۱۱۶۲ ط ۱۱۶۳ ط ۱۱۶۴ ط ۱۱۶۵ ط ۱۱۶۶ ط ۱۱۶۷ ط ۱۱۶۸ ط ۱۱۶۹ ط ۱۱۷۰ ط ۱۱۷۱ ط ۱۱۷۲ ط ۱۱۷۳ ط ۱۱۷۴ ط ۱۱۷۵ ط ۱۱۷۶ ط ۱۱۷۷ ط ۱۱۷۸ ط ۱۱۷۹ ط ۱۱۸۰ ط ۱۱۸۱ ط ۱۱۸۲ ط ۱۱۸۳ ط ۱۱۸۴ ط ۱۱۸۵ ط ۱۱۸۶ ط ۱۱۸۷ ط ۱۱۸۸ ط ۱۱۸۹ ط ۱۱۹۰ ط ۱۱۹۱ ط ۱۱۹۲ ط ۱۱۹۳ ط ۱۱۹۴ ط ۱۱۹۵ ط ۱۱۹۶ ط ۱۱۹۷ ط ۱۱۹۸ ط ۱۱۹۹ ط ۱۲۰۰ ط ۱۲۰۱ ط ۱۲۰۲ ط ۱۲۰۳ ط ۱۲۰۴ ط ۱۲۰۵ ط ۱۲۰۶ ط ۱۲۰۷ ط ۱۲۰۸ ط ۱۲۰۹ ط ۱۲۱۰ ط ۱۲۱۱ ط ۱۲۱۲ ط ۱۲۱۳ ط ۱۲۱۴ ط ۱۲۱۵ ط ۱۲۱۶ ط ۱۲۱۷ ط ۱۲۱۸ ط ۱۲۱۹ ط ۱۲۲۰ ط ۱۲۲۱ ط ۱۲۲۲ ط ۱۲۲۳ ط ۱۲۲۴ ط ۱۲۲۵ ط ۱۲۲۶ ط ۱۲۲۷ ط ۱۲۲۸ ط ۱۲۲۹ ط ۱۲۳۰ ط ۱۲۳۱ ط ۱۲۳۲ ط ۱۲۳۳ ط ۱۲۳۴ ط ۱۲۳۵ ط ۱۲۳۶ ط ۱۲۳۷ ط ۱۲۳۸ ط ۱۲۳۹ ط ۱۲۴۰ ط ۱۲۴۱ ط ۱۲۴۲ ط ۱۲۴۳ ط ۱۲۴۴ ط ۱۲۴۵ ط ۱۲۴۶ ط ۱۲۴۷ ط ۱۲۴۸ ط ۱۲۴۹ ط ۱۲۵۰ ط ۱۲۵۱ ط ۱۲۵۲ ط ۱۲۵۳ ط ۱۲۵۴ ط ۱۲۵۵ ط ۱۲۵۶ ط ۱۲۵۷ ط ۱۲۵۸ ط ۱۲۵۹ ط ۱۲۶۰ ط ۱۲۶۱ ط ۱۲۶۲ ط ۱۲۶۳ ط ۱۲۶۴ ط ۱۲۶۵ ط ۱۲۶۶ ط ۱۲۶۷ ط ۱۲۶۸ ط ۱۲۶۹ ط ۱۲۷۰ ط ۱۲۷۱ ط ۱۲۷۲ ط ۱۲۷۳ ط ۱۲۷۴ ط ۱۲۷۵ ط ۱۲۷۶ ط ۱۲۷۷ ط ۱۲۷۸ ط ۱۲۷۹ ط ۱۲۸۰ ط ۱۲۸۱ ط ۱۲۸۲ ط ۱۲۸۳ ط ۱۲۸۴ ط ۱۲۸۵ ط ۱۲۸۶ ط ۱۲۸۷ ط ۱۲۸۸ ط ۱۲۸۹ ط ۱۲۹۰ ط ۱۲۹۱ ط ۱۲۹۲ ط ۱۲۹۳ ط ۱۲۹۴ ط ۱۲۹۵ ط ۱۲۹۶ ط ۱۲۹۷ ط ۱۲۹۸ ط ۱۲۹۹ ط ۱۳۰۰ ط ۱۳۰۱ ط ۱۳۰۲ ط ۱۳۰۳ ط ۱۳۰۴ ط ۱۳۰۵ ط ۱۳۰۶ ط ۱۳**

$\frac{1452173}{999999} \rightarrow \frac{111}{999999}$

و این نقش را نوشت بر بازو بند تا که از بلاها محفوظ ماند و وقتی که خواهد ظاهر شود فی القوت عید  
و از بازو جدا کند و از آب چاه تازه ریخته خود را بشوید نقش اینست

[illegible]

وَصَلَّى وَوَمُرَّ در منافع آن جَبَان که بر رُو آب ایستاده اند بدانکه خاصیت انجوب و جَاهِه  
است و قبول دل سلاطین عظماء و بزرگان خاجان از ایشان و فور عزت و حرمت و محبت  
میان جمیع عالمیان و نوا انگری و استغنا از خلق و چون میل اینجالات پدید آید هفت دانم از  
جوب فوقانی یعنی از آنها که بر رُو آب بوده اند یک دهنه دانم شعیر سو و مثل او شعیر بیض و همین  
عکس خود سفید مانند او قفل بیض و هفت قطعه ملح اندر آن هر یک برابر شعیر و مجموع را  
در خرقه پاکیزه افکنند بر بازو راست خود بر بند تا همه آنچه مذکور شد مشاهده رود زبانه بر  
آن نیز انشاء الله تعالی و صَلَّی سَمِ در منفعات آن جَبَان که در رُو آب مستقر شوند آنها

برای عمارت جائیهما و نشاندن آنها بکارا بد هرگاه که از جنات مستقره درخت بنائی یاد درخت نهالی  
هندان عمارت سالها باقی ماند از خرابی این بوی و انداخت غایب و زایل گردد و اگر آن خوب را  
سحق کند و باب مخلوط ساخته در زیر درختی بریزند بزرگ شود و میوه بسیار دهد بمرتبه که محل  
تجرب و تجربه باشد این طلسمات را نوشهر بر درخت مذکور بیند تا که میوه او مثل میوه قناد پلخوشتره  
بنداشد مگر در تجربه رسیده است ۱۱۶۹۷ ۱۱۶۹۸ ۱۱۶۹۹ ۱۱۷۰۰ ۱۱۷۰۱ ۱۱۷۰۲ ۱۱۷۰۳ ۱۱۷۰۴ ۱۱۷۰۵ ۱۱۷۰۶ ۱۱۷۰۷ ۱۱۷۰۸ ۱۱۷۰۹ ۱۱۷۱۰ ۱۱۷۱۱ ۱۱۷۱۲ ۱۱۷۱۳ ۱۱۷۱۴ ۱۱۷۱۵ ۱۱۷۱۶ ۱۱۷۱۷ ۱۱۷۱۸ ۱۱۷۱۹ ۱۱۷۲۰ ۱۱۷۲۱ ۱۱۷۲۲ ۱۱۷۲۳ ۱۱۷۲۴ ۱۱۷۲۵ ۱۱۷۲۶ ۱۱۷۲۷ ۱۱۷۲۸ ۱۱۷۲۹ ۱۱۷۳۰ ۱۱۷۳۱ ۱۱۷۳۲ ۱۱۷۳۳ ۱۱۷۳۴ ۱۱۷۳۵ ۱۱۷۳۶ ۱۱۷۳۷ ۱۱۷۳۸ ۱۱۷۳۹ ۱۱۷۴۰ ۱۱۷۴۱ ۱۱۷۴۲ ۱۱۷۴۳ ۱۱۷۴۴ ۱۱۷۴۵ ۱۱۷۴۶ ۱۱۷۴۷ ۱۱۷۴۸ ۱۱۷۴۹ ۱۱۷۵۰ ۱۱۷۵۱ ۱۱۷۵۲ ۱۱۷۵۳ ۱۱۷۵۴ ۱۱۷۵۵ ۱۱۷۵۶ ۱۱۷۵۷ ۱۱۷۵۸ ۱۱۷۵۹ ۱۱۷۶۰ ۱۱۷۶۱ ۱۱۷۶۲ ۱۱۷۶۳ ۱۱۷۶۴ ۱۱۷۶۵ ۱۱۷۶۶ ۱۱۷۶۷ ۱۱۷۶۸ ۱۱۷۶۹ ۱۱۷۷۰ ۱۱۷۷۱ ۱۱۷۷۲ ۱۱۷۷۳ ۱۱۷۷۴ ۱۱۷۷۵ ۱۱۷۷۶ ۱۱۷۷۷ ۱۱۷۷۸ ۱۱۷۷۹ ۱۱۷۸۰ ۱۱۷۸۱ ۱۱۷۸۲ ۱۱۷۸۳ ۱۱۷۸۴ ۱۱۷۸۵ ۱۱۷۸۶ ۱۱۷۸۷ ۱۱۷۸۸ ۱۱۷۸۹ ۱۱۷۹۰ ۱۱۷۹۱ ۱۱۷۹۲ ۱۱۷۹۳ ۱۱۷۹۴ ۱۱۷۹۵ ۱۱۷۹۶ ۱۱۷۹۷ ۱۱۷۹۸ ۱۱۷۹۹ ۱۱۸۰۰ ۱۱۸۰۱ ۱۱۸۰۲ ۱۱۸۰۳ ۱۱۸۰۴ ۱۱۸۰۵ ۱۱۸۰۶ ۱۱۸۰۷ ۱۱۸۰۸ ۱۱۸۰۹ ۱۱۸۱۰ ۱۱۸۱۱ ۱۱۸۱۲ ۱۱۸۱۳ ۱۱۸۱۴ ۱۱۸۱۵ ۱۱۸۱۶ ۱۱۸۱۷ ۱۱۸۱۸ ۱۱۸۱۹ ۱۱۸۲۰ ۱۱۸۲۱ ۱۱۸۲۲ ۱۱۸۲۳ ۱۱۸۲۴ ۱۱۸۲۵ ۱۱۸۲۶ ۱۱۸۲۷ ۱۱۸۲۸ ۱۱۸۲۹ ۱۱۸۳۰ ۱۱۸۳۱ ۱۱۸۳۲ ۱۱۸۳۳ ۱۱۸۳۴ ۱۱۸۳۵ ۱۱۸۳۶ ۱۱۸۳۷ ۱۱۸۳۸ ۱۱۸۳۹ ۱۱۸۴۰ ۱۱۸۴۱ ۱۱۸۴۲ ۱۱۸۴۳ ۱۱۸۴۴ ۱۱۸۴۵ ۱۱۸۴۶ ۱۱۸۴۷ ۱۱۸۴۸ ۱۱۸۴۹ ۱۱۸۵۰ ۱۱۸۵۱ ۱۱۸۵۲ ۱۱۸۵۳ ۱۱۸۵۴ ۱۱۸۵۵ ۱۱۸۵۶ ۱۱۸۵۷ ۱۱۸۵۸ ۱۱۸۵۹ ۱۱۸۶۰ ۱۱۸۶۱ ۱۱۸۶۲ ۱۱۸۶۳ ۱۱۸۶۴ ۱۱۸۶۵ ۱۱۸۶۶ ۱۱۸۶۷ ۱۱۸۶۸ ۱۱۸۶۹ ۱۱۸۷۰ ۱۱۸۷۱ ۱۱۸۷۲ ۱۱۸۷۳ ۱۱۸۷۴ ۱۱۸۷۵ ۱۱۸۷۶ ۱۱۸۷۷ ۱۱۸۷۸ ۱۱۸۷۹ ۱۱۸۸۰ ۱۱۸۸۱ ۱۱۸۸۲ ۱۱۸۸۳ ۱۱۸۸۴ ۱۱۸۸۵ ۱۱۸۸۶ ۱۱۸۸۷ ۱۱۸۸۸ ۱۱۸۸۹ ۱۱۸۹۰ ۱۱۸۹۱ ۱۱۸۹۲ ۱۱۸۹۳ ۱۱۸۹۴ ۱۱۸۹۵ ۱۱۸۹۶ ۱۱۸۹۷ ۱۱۸۹۸ ۱۱۸۹۹ ۱۱۹۰۰ ۱۱۹۰۱ ۱۱۹۰۲ ۱۱۹۰۳ ۱۱۹۰۴ ۱۱۹۰۵ ۱۱۹۰۶ ۱۱۹۰۷ ۱۱۹۰۸ ۱۱۹۰۹ ۱۱۹۱۰ ۱۱۹۱۱ ۱۱۹۱۲ ۱۱۹۱۳ ۱۱۹۱۴ ۱۱۹۱۵ ۱۱۹۱۶ ۱۱۹۱۷ ۱۱۹۱۸ ۱۱۹۱۹ ۱۱۹۲۰ ۱۱۹۲۱ ۱۱۹۲۲ ۱۱۹۲۳ ۱۱۹۲۴ ۱۱۹۲۵ ۱۱۹۲۶ ۱۱۹۲۷ ۱۱۹۲۸ ۱۱۹۲۹ ۱۱۹۳۰ ۱۱۹۳۱ ۱۱۹۳۲ ۱۱۹۳۳ ۱۱۹۳۴ ۱۱۹۳۵ ۱۱۹۳۶ ۱۱۹۳۷ ۱۱۹۳۸ ۱۱۹۳۹ ۱۱۹۴۰ ۱۱۹۴۱ ۱۱۹۴۲ ۱۱۹۴۳ ۱۱۹۴۴ ۱۱۹۴۵ ۱۱۹۴۶ ۱۱۹۴۷ ۱۱۹۴۸ ۱۱۹۴۹ ۱۱۹۵۰ ۱۱۹۵۱ ۱۱۹۵۲ ۱۱۹۵۳ ۱۱۹۵۴ ۱۱۹۵۵ ۱۱۹۵۶ ۱۱۹۵۷ ۱۱۹۵۸ ۱۱۹۵۹ ۱۱۹۶۰ ۱۱۹۶۱ ۱۱۹۶۲ ۱۱۹۶۳ ۱۱۹۶۴ ۱۱۹۶۵ ۱۱۹۶۶ ۱۱۹۶۷ ۱۱۹۶۸ ۱۱۹۶۹ ۱۱۹۷۰ ۱۱۹۷۱ ۱۱۹۷۲ ۱۱۹۷۳ ۱۱۹۷۴ ۱۱۹۷۵ ۱۱۹۷۶ ۱۱۹۷۷ ۱۱۹۷۸ ۱۱۹۷۹ ۱۱۹۸۰ ۱۱۹۸۱ ۱۱۹۸۲ ۱۱۹۸۳ ۱۱۹۸۴ ۱۱۹۸۵ ۱۱۹۸۶ ۱۱۹۸۷ ۱۱۹۸۸ ۱۱۹۸۹ ۱۱۹۹۰ ۱۱۹۹۱ ۱۱۹۹۲ ۱۱۹۹۳ ۱۱۹۹۴ ۱۱۹۹۵ ۱۱۹۹۶ ۱۱۹۹۷ ۱۱۹۹۸ ۱۱۹۹۹ ۱۲۰۰۰ ۱۲۰۰۱ ۱۲۰۰۲ ۱۲۰۰۳ ۱۲۰۰۴ ۱۲۰۰۵ ۱۲۰۰۶ ۱۲۰۰۷ ۱۲۰۰۸ ۱۲۰۰۹ ۱۲۰۱۰ ۱۲۰۱۱ ۱۲۰۱۲ ۱۲۰۱۳ ۱۲۰۱۴ ۱۲۰۱۵ ۱۲۰۱۶ ۱۲۰۱۷ ۱۲۰۱۸ ۱۲۰۱۹ ۱۲۰۲۰ ۱۲۰۲۱ ۱۲۰۲۲ ۱۲۰۲۳ ۱۲۰۲۴ ۱۲۰۲۵ ۱۲۰۲۶ ۱۲۰۲۷ ۱۲۰۲۸ ۱۲۰۲۹ ۱۲۰۳۰ ۱۲۰۳۱ ۱۲۰۳۲ ۱۲۰۳۳ ۱۲۰۳۴ ۱۲۰۳۵ ۱۲۰۳۶ ۱۲۰۳۷ ۱۲۰۳۸ ۱۲۰۳۹ ۱۲۰۴۰ ۱۲۰۴۱ ۱۲۰۴۲ ۱۲۰۴۳ ۱۲۰۴۴ ۱۲۰۴۵ ۱۲۰۴۶ ۱۲۰۴۷ ۱۲۰۴۸ ۱۲۰۴۹ ۱۲۰۵۰ ۱۲۰۵۱ ۱۲۰۵۲ ۱۲۰۵۳ ۱۲۰۵۴ ۱

[illegible]

W V 17 90 191 W V 7 2 2 V 29 11 7 W V 1

$\Delta$  199  $\Delta$  911 911  $\Delta$   $\Delta$  11144411

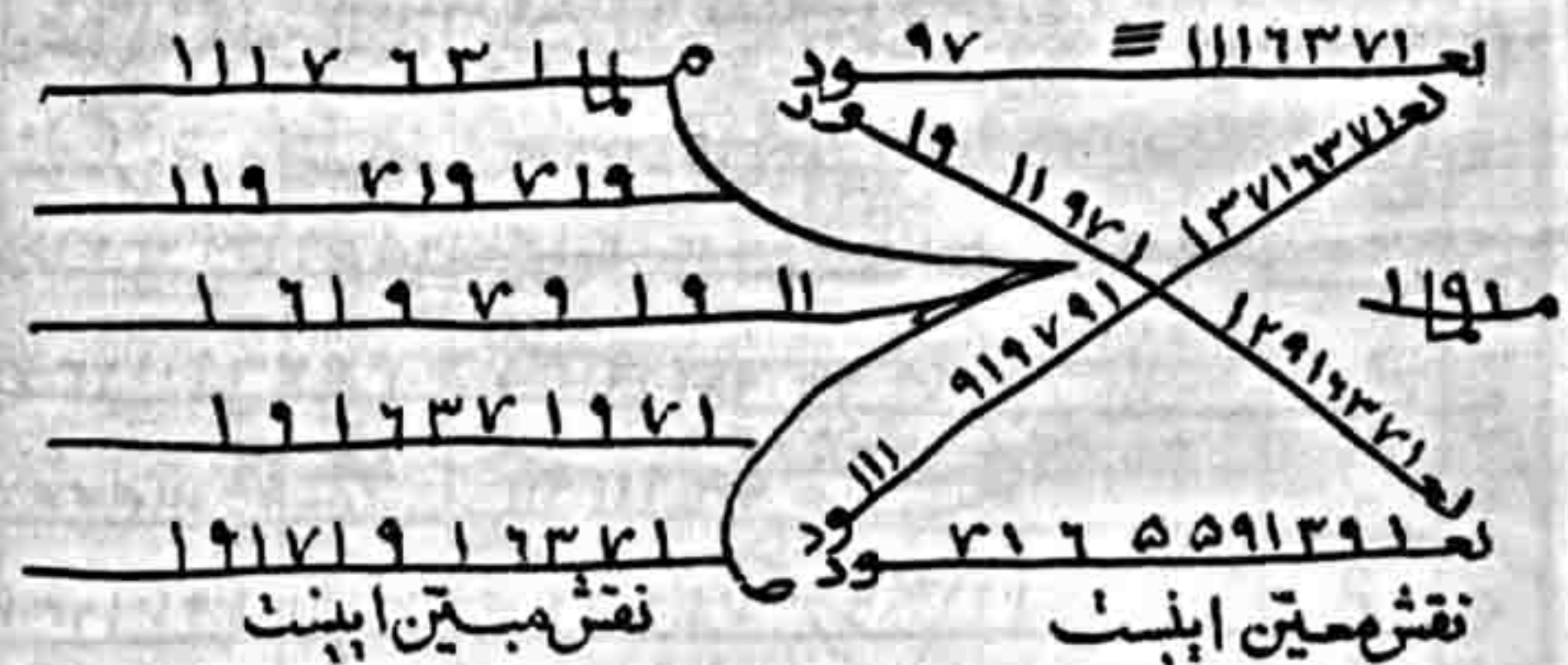
11 4 3 5 1 4 9 1 4 4 1 4 3 5 1 4 3 5 1 1

[illegible]

اعطط اف طععع الح مرررل سارسال حال مین

وَصَلِّحْهَا رُفْرُ در بیان جنات متحرکه در وسط آب بودند خاصیت آن جنات قطع منافق  
بعد است در نفعان قریب چون کسی خواهد که از بلد بیاید خواه بعد خواه قریب روضه رود  
که خانه باشد از حرم و دوازده یکصد یک برای این بلد که در او بیست و نام این بلد را بنویسد  
و دوازده دیگر در آن جنت که بلد مطلوب بر آنصوب است و نام آن بلد نیز در درون دوازده بنویسد و  
بر کرده دوازده این اسماء بنویسد بر وجهی که تمام حواله دوازده فرو گیرد و اگر کلمات با تمام رسد و از  
دوازده چیزی باقی باشد باز با سر گیرد تا حول دوازده با تمام رسد اسماء اینست لف مبطرون و هو  
کسطاس کبظموس بعد از آن جنت از انجنات متحرکات قرار گیرد و باطلعه آن عو قمار بر مجمره  
خند در دوازده که اسم بلد را حاضر است ایستاده باشد چون بخور بر آتش افکند پائین است بر آتش

و در ذابره بلده مطلوب همدچشم فروپوشاند چون زانچه بخوبی تمام او رسد هم چنان چشم پوشید  
پایه دیگر بر ذابره و در ذابره بلده که مقصد او است بنهالین چشم بگشاید خوراد در بلده مطلوب باید  
و از طلسمات نفس را اول باید بسوزاند



|    |    |    |    |
|----|----|----|----|
| ۴۰ | ۲  | ۱۰ | ۵۰ |
| ۵۰ | ۱۰ | ۲  | ۴۰ |
| ۵۰ | ۱۰ | ۲  | ۴۰ |
| ۴۰ | ۲  | ۱۰ | ۵۰ |

|    |    |    |    |    |    |    |    |
|----|----|----|----|----|----|----|----|
| ۳۰ | ۲۱ | ۵۳ | ۳۰ | ۳۰ | ۲۱ | ۵۳ | ۳۰ |
| ۲۰ | ۶۳ | ۰۶ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۱۰ | ۴۰ |
| ۴۰ | ۵۴ | ۱۴ | ۰۱ | ۱۵ | ۱۲ | ۰۰ | ۲۱ |
| ۱۱ | ۹  | ۱۱ | ۲۲ | ۰۰ | ۴۰ |    |    |

**وَصَلِّ نَحْمُ** در دفعه حیو که در وسط آب ساکن بود خاصیت آن امناک است  
و بندگان گریخته و ذاب فرار کرده چون زده خواهد که از نظریه پاسبان گریخته باشد یا چهار  
پایه غائب شده یکی از جان ماکه فی سطر الماء بکشد و با مقدار از سنگدوس بر آتش همد نام  
آن کس یا انجوان بر آن می بگذارد الهی قادر شود بر حرکت از آن مکان که باشد تا وقتی که برود  
و از آب بگذرد **وَصَلِّ شَمِ** در میان جان منقعه خاصیت آن بغض است تقریب چون که

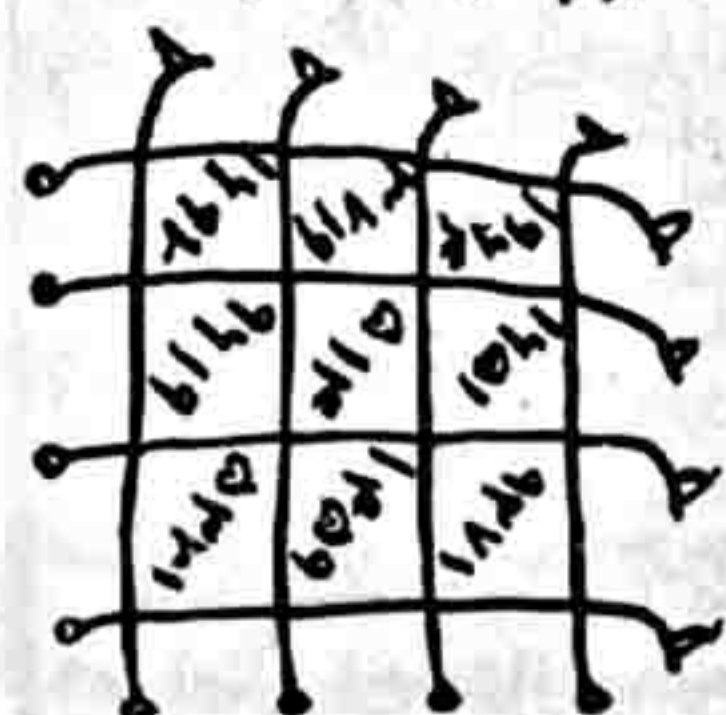
خواهد که میان و کس شنبه افکند از جهت شکافه در حجب بکشد و هر یک زاب را بدارد و در میان  
نان کند و آن نان را نصف زده چنانچه هر دو قطعه از آن بت در نصف از آن چیز آمد و تمام آن دو  
کس که خواهد نصف بکشد و نصف بکشد همدانند شخص یا یکدیگر متبلغض گردند از یکدیگر بگوشتن  
شوند و صل که فتم در حجاب ملصقه از آن بر الف و حجت است چون و ذاب ملصق  
بگیرند سخن کرده باشکری بنامینند از اد طعام با شراب ببرد و دهند و سببه عظیم در میان ایشان  
پیدا شود و اگر بر اطعام ایشان قادر نباشند آن مسوق نم فراد و حوض یا چاه یا در چشمه یا در کوچه  
که هر دو از آن آب خوردند بپسنداند کس یا یکدیگر مؤلفه متناهی کردند چنانچه یک دم از  
یکدیگر جدا نتواند شد الله تعالی اعلم تمام شد کتاب الاسرار و در غیر این کتاب هم از مصنف  
آن چهار نوع دیگر از اعمال اخفا نقل کرده اند بکمال در تذکره پر خرخ و در ذیل این کتاب اینارد  
کردیم اما از اعمال اخفا نوع اول از حبس انحر و بکشد و بکشد و از خولجان بزن  
آن و سخن کند تا وقتی که مانند غبار گردد پس بکشد **۴۰ ۱۰ ۲ ۴۰** و اطعام کند  
او را با نان میده که با مویر ذاب بکشد و بکشد کوده مخلوط ساخته باشد زاب مدت سه روز گفته اند  
در سه روز یکبار از این طعام خوراند در صبح روز چهارم زج کند و در یک سنگین خورد و  
باید که قطره خون و خارج دیک بگذرد و اگر آن خون بر زمین بزد عمل باطل شود و بعد از آنکه تمام  
خون ز حبس او بیرون آید آن غبار مذکور را بر آن خون نثر کند و قلب مذکور را بر آن نثر کند و بکشد  
و هفت حبه از شجره مذکوره در آن نماده شکافه انحر و حکم بگذرد و در دیک افکند و یک شب در  
زیر آن آتش قوی برافروزد تا انچه در قلاست پالک بسود چون و ز شود سرد بکشد بکشد و در  
حبات نگاه کند هر چه سوخته است باز در دیک اندازد و انچه سالم است نگاه دارد و در دیک که در دیک  
باشد را کاغذ محفوظ سازد و چون خواهد که از نظر مردم غائب گردد بکشد از جو سالم در دیک زبان

[illegible]

Handwritten musical notation on a staff, featuring a treble clef, a key signature of one sharp (F#), and a melody. The notation includes a series of notes and rests, with a final measure containing a double bar line and a repeat sign.

[illegible]

لم اوس ط ال ط من و ط ط ع لم ن م ح ل  
ا ف ط ع و ط ع ط م ن ط ع ط ص م ف و ل ل م  
ا ع ل م ط ع و ك ط ع م ط ع ن و ل ط ط و ا ل  
ا و ا ط ط م ع م ط ع ف ا ل م م ن و م ح و م ا ل ط



[illegible]

بعد اسم ذات یعنی الله و نصف اول و پنج سر حفت بر این وجه بس م ال ل ه ا ل د ح م ن ا ل  
 د ح م م ق ل ه و ل ل ه ا ح د ا ل ل چون بر یک صفحه از یک نته نته م م ه انجروف مفرده  
 بنویسد بر صفحه دیگر از او این ظلم کتاب کند ۱۱۹۹۹۹۹۹ ل ح د ا ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل  
 و ح د ا ن گاه دارد پس نته نته م م ه دیگر بر او و بر یک صفحه ان نته حروف ان و ه  
 بطریق افراد بنویسد بر این نظم ه ا ل ص م د ل م ی ل د و ل م ی و ل د و ل م ی ک ن  
 ل ه ک ف و ا ح د بر صفحه دیگر این ظلم زار قم زند ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل ل  
 ل ل ل ل ل ل و اینرا نیز جدا محافظت نماید پس بگیرد و ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح ح  
 م م ه و یک م م ه م م ه م م ه و منقوش اول را در م م ه م م ه م م ه م م ه م م ه  
 م م ه ل ه د و بر شتر سرخ دو خه گردانند و زمین را یک گوشه بکند و هر دو را در خاک مدفون  
 سازد با هم تا مدت هفت روز بعد از ان پیرن نارد بعد از هفت که قبل از ان کوده باشد بدانکه مقیم  
 کدامست و مسافر کدام چه هر دو یک و یکجا مجتمع شده باشند پس مقیم را بخاوره فرماید مسافر را  
 هر طرف که فرستد بسرعت هر چه تمام تر نزد مقیم آید باذن الله تعالی خاتم در اشیاء  
 متفرقه که خلایق از نفع نیست مشتمل بر دو وصل است فصل اول در صوته چند غریبه  
 و عجیب که محتاج الیه است منظور بر پنج وصل و وصل اول در تکلم ناظم یعنی چون کسی خواهد  
 از احوال و افعال کسی خبر یابد در پیدا از او معلوم نتواند کرد عیله بخایه او و که انکس در  
 خواب سخن آمده سائل را بر مخفیات احوال خود اطلاع دهد این عمل بر انواع است اول  
 بگیرد و ناله بر سپهر ناظم دهد و اگر ناظم مؤث باشد نزد تر  
 اثر بکند و هر چه در دل دارد بگوید نوع دیگر ناله م م ه م م ه م م ه م م ه م م ه  
 بر کف دست گیرد یا در کف مالذ کف را بر دل ناظم دهد از او استنطاق کند هر چه بپرسد

[illegible]

۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱  
و و و و و و و و  
ج ج ج ج ج ج ج  
۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱ ۱  
د د د د د د د

۱۱۱۱۱۱۱۱۱۱ و در زیر سر خود نهاد و خانه خالی متکبر

[illegible]



و چون افتاب در افق عظیم گردد و این بغایت عجیب است بگر نوره خرمطی و سحر کن انرا  
در یوست پس نصف زن را بگیرد  $\frac{1}{2}$  و مثل ربع آن  $\frac{1}{4}$  و مثل ربع آن  $\frac{1}{8}$  و مثل ربع آن  $\frac{1}{16}$   
و هر روز اسحق کن و بانوره بیامیزد پس فراگیر  
استو برابر وزن نوره و سحر نماید هر روز با هم برآمیزد دیگر باره  
سحر کن تا اختلاط تمام و امزاج کامل بیابد پس این مخلوط را به  $\frac{1}{2}$  و  $\frac{1}{4}$  و  $\frac{1}{8}$  و  $\frac{1}{16}$   
عجین سازد و برد پیوار و مستف خانه طلا کن و بگذارد تا خشک شود پس هن بستان خالص اندک  
اندک از آن در کدیوار که در احتمال شعل گردد و چون افتاب را بچانه افتد زبانه آتش بدیدد  
بنماید که ناظران متحیر شوند **و صلوات** بیت الشمس خانه ایست هر که بدد زاید بشب  
افتاب را مشاهده نماید طریقتش است که  $\frac{1}{2}$  بیضه را بگیرد و در کوزه نو کند برابر  
او بشاند  $\frac{1}{2}$  و  $\frac{1}{4}$  و  $\frac{1}{8}$  و  $\frac{1}{16}$  و خدا سحر کند مقدار از آن  $\frac{1}{2}$  و  $\frac{1}{4}$  و  $\frac{1}{8}$  و  $\frac{1}{16}$   
با او بیامیزد و در افتاب بیازد تا مالد گردد پس موضع دود را تجدید کند و  
انچه در اول مذکور شد بر موضع دیدن آن ریزد و بگذارد تا انرا بخورند یکدیگر نیز بخورند و یک  
دوده بزرگ بنامد پس او را در افتاب بگذارد تا بپزد و خشک گردد سحر نماید بر جای بعض طلا  
کند جامه بر طلا قند ریش و زهر که در خانه باشد و پوشد پس بستاند زن ذانکه در ابرج و تخیر  
کند که خانه سیاه گردد و انجام مثل افتاب نماید بلکه نور او اعظم در نظر آید اگر از دوده مسح  
بگیرد و بوزن او ذرا بچ و سه برابر او از اینج شجره سراج القطر برابر او از پیرج و با یکدیگر سحر نماید  
و بد الحجام عجین سازد و تحبیب کند تجف نماید رطل و این شرط کلی است پس هرگاه که خواهد  
بشد رخا نه تادیک افتاب را نماید تخیر کند بیضه را از اینجوب که ضوئ عظیم برابر و شمع افتاب در  
انتمل بدیدد **و صلوات** بیت الدمش الموت و این خانه ایست که هر که بدودر

اید فی الحال بیهوش گردد و اگر یک ساعت را توقف کند بمیرد و سلاطین هند مثل انجانہ ہا  
 میازند تراصلحت ملک چنانچہ مخفی نیست و این اعجاب عجایب بیوتت بکیرا ۱۱۱۱۱۱  
 از او ذاج السرا و از دم انجانہ من برابر او از حاضر ۱۱۱۱۱۱  
 مساوی ہر یک و مجموعہ را نای زجایہ کردہ پچوہی مخرج سار تا وقتی کہ اختلاف تمام نہاند  
 پس بکیر ربع مجموع از شیر زق شہرم و ہر دو را بکوب در دم و دما بر بعد از ان ہمہ را با یکدیگر  
 خلط کن و برد پیوار و سقف خانہ اندام و باید کہ در وقت تطلیع منقذ دماغ را بقطعی کہ الودہ ۷  
 بروغن بنفشہ با دام باشد مسدود ساختہ باشند بعد از تطلیع و در خانہ برین نماید آمد و چون  
 از این عمل فارغ شوند خین کد خانہ را بچہار چہن ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ و قماشہرو ۱۱  
 ۱۱۱۱۱۱ برہم ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ اجزا برابر و چون از بدخین باز سپرد از د  
 خانہ را در بند و منافذ محکم کند بر چہی کہ بخار برین نرود و ہوا بتدویناید پس بعد از سہ روز ہر  
 کہ بویہ انجانہ شنو بیهوش گردد و ہر کہ بدون آن رود یک ساعت قرار گیرد بمیرد و انکہ بیهوش شدہ  
 باشد اگر خواہند کہ با خود اید و از احوالہ انجانہ دور باید برد و بدین بنفشہ خالص معطوباید  
 نمونہ بوشن اید فصل پنجم بہت انجون خانہ باشد کہ ہر کہ بدد زاید متحیر و مجنون  
 گردد و اشار صرع براو ظاہر گردد و بعد از ساعت بخود با ہوش اید بکیر ۱۱۱۱۱۱  
 ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ ۱۱۱۱۱۱ و حق کند یا مثل ربع وزن و مر قشیشاء ذہبہ و این محقو را  
 در آب حل کردہ صوبہ عظیم ہابل برد پیوار خانہ بکشد چنانچہ ان پیوار از او برگردد پس تصور باید  
 کرد بر سر این صوت تا بچہ از زہرہ اینما بچہ کہ او را بطبرہ گویند بر میان او صوت مریکہ مانہ در دست  
 او باشد و بریاد او صوت زنیکہ ملجہ در دست دارد پس بستاند حجر مقناطیس نرم نباید ماند  
 محل و نگاہ دارد و چون خواہد کہ کہیہ زامہ ہو گردانند بکل مذکور محل گردانند بدینخانہ دراز فی الحال



دیکر بیکر صبر براق و ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ مدقوق بایکدیگر برآمید و  
 فیله از ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ مطروح در ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ بدان ملحق سازد و برون زیت بر  
 افروزد و صل چهار فیله الماسوخ فیله است که چون افروخته شود و جود  
 حصار مجلس بغایت مکروه نمایند چون جمیع که بر سمت منج مبتلا شده اند بیکدیگر استخوانها  
 که ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ است بایکدیگر آن ۴ ۳ ۲ ۱ ۰  
 مشوب بلون دیگر نباشد مقدار از ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ او و ماخوذ اول را سحی کند و  
 ماخوذ ثانی را ذوب نماید هر دو را با هم منج گرداند و از خرقة نادوج فیله سازد و بدین و  
 ملحق گردانیده در چراغ دانه بر افروزد بایکدیگر آن چراغدان اخضر باشد و بدین زیت  
 صافی مملو تا انچه مذکور شد و نماید هم در این کتاب آورده که ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ هر چو آنکه  
 بیکدیگر و یا ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ او برآمید و خرقة نادوس را قبله کند با انها کفنه شد تلخ نماید  
 ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ بروی شرکند برون لا و لا بر افروزد و در دهان مجلسیان بپوشد  
 همان حیوان نماید شرط که در عمل جمیع قاتل سده منافذ و اطلاق ابواب است فافهم در صحیفه  
 اسکندریه نیز بر این وجه مذکور است و صل بحکم فیله الخیات و ان فیله است که  
 چون و شن شود تا شیل حیات عظام بنظر ابد عمل بر این نوع است که بیکدیگر ۴ ۳ ۲ ۱ ۰  
 ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ و فیله از خرقة مطروح بدان میالاید و ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ را  
 در جوف آن نهاد بدین بنی در سراج است و با اخضر بر افروزد و در بعضی رسائل آورده که  
 فیله از جلد جبهه کند برون نطق بر افروزد و هم در این کتاب مذکور است که در ۴ ۳ ۲ ۱ ۰  
 ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ و نه پیچید بعد آنکه آن ممزوج را در میان آن نهاده باشد مقدار از دهن شحم ۴ ۳ ۲ ۱ ۰  
 ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ با روغن زیت برآمید و در سراج بر افروزد و منافذ بپوشاند استخوان کند از سلخ و

جوان کردن آرد و صبر

و شحم مذکور فلک بر آتش نهاد تا برنجیل بپزد و صل ششم فیله القار خالص  
 او است که چون افروخته گردد ان موضع پراز کزدم نماید بیکدیگر ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰  
 ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ و از ثاب عقد ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ و بیض التمل و  
 هم را سحی کند و مقول الوده بدین القرب بیارد و از این مسحوق بر پاشد در چراغ  
 آهن بدین بنی بر افروزد و اصل است که قبل از انقیاد فیله بر بیض التمل بخیر کند و حبس  
 دغان شرط کلی است که هوا متلاشه نشود و اگر یک یا دو از ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰  
 ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ بر آتش افکند عمل کامل شود و صل هفتم فیله الطیو چون این فیله مشعل  
 شود مرغغان سبز و عصافیر امثال آن بنظر دزاینده که طیران مینمایند هیچ یک از ایشان بدین  
 نجه ایند عملش بدین غلط است که بیکدیگر ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ الاخره  
 ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ او و فیله از پوست گرد ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ بسازد و ایند مذکور در اکوفه و مقدار ۴ ۳ ۲ ۱ ۰  
 ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ غرافه بر او پاشیده در آن پیچید بخرقه ناوس ملغوف گرداند و در  
 سراج بدین لا و لا بر افروزد و هر که بدین تخانه دزاید مرغغان سبز بپزند بر پا زامده و از هر  
 طرف طیران آغاز کرده و در فخره دیگر آورده که راس و ناوس و ذنب و سرابو صفاک و دم  
 او که بکفنه تعفین یا فخره باشند منج بر ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ در  
 میان فیله نهاد برون لا و لا بر افروزد و همین عمل کند و صل هشتم فیله الرقص و  
 این بزنان مخصوص است هرگز آنکه نظر بر این فیله افروخته افند فرحناک شود و برقص و  
 آید و بحشیم و ابرو آغاز کرشمه و باز به کند خواهد که خورا بر زمین فکند نزدیک باشد که از  
 غایت طرب بجهت بهوش شود و عملش اینست ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ بیض بیکدیگر سحی کرد  
 بر خرقة از کان فشان و فیله ساز بشرط آنکه بغلات ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ ۴ ۳ ۲ ۱ ۰ سوده بدین

زینق برافروزد زانمیان کرده باشد و چون این قبیلہ روشن شود پیش از آنکه مشاهده نماید  
شعله انرا و آنچه مذکور شد از وی بپوشد نوع دیگر چون رجلی برافروزد که زنان  
کثیران باشند یک از ایشان نماید آلاکه بخیزد و جامه پیرن کند و برقصد و از عقل و هوش  
بیگانه گردد فرا گیرد ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰ ۱۰۱ ۱۰۲ ۱۰۳ ۱۰۴ ۱۰۵ ۱۰۶ ۱۰۷ ۱۰۸ ۱۰۹ ۱۱۰ ۱۱۱ ۱۱۲ ۱۱۳ ۱۱۴ ۱۱۵ ۱۱۶ ۱۱۷ ۱۱۸ ۱۱۹ ۱۲۰ ۱۲۱ ۱۲۲ ۱۲۳ ۱۲۴ ۱۲۵ ۱۲۶ ۱۲۷ ۱۲۸ ۱۲۹ ۱۳۰ ۱۳۱ ۱۳۲ ۱۳۳ ۱۳۴ ۱۳۵ ۱۳۶ ۱۳۷ ۱۳۸ ۱۳۹ ۱۴۰ ۱۴۱ ۱۴۲ ۱۴۳ ۱۴۴ ۱۴۵ ۱۴۶ ۱۴۷ ۱۴۸ ۱۴۹ ۱۵۰ ۱۵۱ ۱۵۲ ۱۵۳ ۱۵۴ ۱۵۵ ۱۵۶ ۱۵۷ ۱۵۸ ۱۵۹ ۱۶۰ ۱۶۱ ۱۶۲ ۱۶۳ ۱۶۴ ۱۶۵ ۱۶۶ ۱۶۷ ۱۶۸ ۱۶۹ ۱۷۰ ۱۷۱ ۱۷۲ ۱۷۳ ۱۷۴ ۱۷۵ ۱۷۶ ۱۷۷ ۱۷۸ ۱۷۹ ۱۸۰ ۱۸۱ ۱۸۲ ۱۸۳ ۱۸۴ ۱۸۵ ۱۸۶ ۱۸۷ ۱۸۸ ۱۸۹ ۱۹۰ ۱۹۱ ۱۹۲ ۱۹۳ ۱۹۴ ۱۹۵ ۱۹۶ ۱۹۷ ۱۹۸ ۱۹۹ ۲۰۰ ۲۰۱ ۲۰۲ ۲۰۳ ۲۰۴ ۲۰۵ ۲۰۶ ۲۰۷ ۲۰۸ ۲۰۹ ۲۱۰ ۲۱۱ ۲۱۲ ۲۱۳ ۲۱۴ ۲۱۵ ۲۱۶ ۲۱۷ ۲۱۸ ۲۱۹ ۲۲۰ ۲۲۱ ۲۲۲ ۲۲۳ ۲۲۴ ۲۲۵ ۲۲۶ ۲۲۷ ۲۲۸ ۲۲۹ ۲۳۰ ۲۳۱ ۲۳۲ ۲۳۳ ۲۳۴ ۲۳۵ ۲۳۶ ۲۳۷ ۲۳۸ ۲۳۹ ۲۴۰ ۲۴۱ ۲۴۲ ۲۴۳ ۲۴۴ ۲۴۵ ۲۴۶ ۲۴۷ ۲۴۸ ۲۴۹ ۲۵۰ ۲۵۱ ۲۵۲ ۲۵۳ ۲۵۴ ۲۵۵ ۲۵۶ ۲۵۷ ۲۵۸ ۲۵۹ ۲۶۰ ۲۶۱ ۲۶۲ ۲۶۳ ۲۶۴ ۲۶۵ ۲۶۶ ۲۶۷ ۲۶۸ ۲۶۹ ۲۷۰ ۲۷۱ ۲۷۲ ۲۷۳ ۲۷۴ ۲۷۵ ۲۷۶ ۲۷۷ ۲۷۸ ۲۷۹ ۲۸۰ ۲۸۱ ۲۸۲ ۲۸۳ ۲۸۴ ۲۸۵ ۲۸۶ ۲۸۷ ۲۸۸ ۲۸۹ ۲۹۰ ۲۹۱ ۲۹۲ ۲۹۳ ۲۹۴ ۲۹۵ ۲۹۶ ۲۹۷ ۲۹۸ ۲۹۹ ۳۰۰ ۳۰۱ ۳۰۲ ۳۰۳ ۳۰۴ ۳۰۵ ۳۰۶ ۳۰۷ ۳۰۸ ۳۰۹ ۳۱۰ ۳۱۱ ۳۱۲ ۳۱۳ ۳۱۴ ۳۱۵ ۳۱۶ ۳۱۷ ۳۱۸ ۳۱۹ ۳۲۰ ۳۲۱ ۳۲۲ ۳۲۳ ۳۲۴ ۳۲۵ ۳۲۶ ۳۲۷ ۳۲۸ ۳۲۹ ۳۳۰ ۳۳۱ ۳۳۲ ۳۳۳ ۳۳۴ ۳۳۵ ۳۳۶ ۳۳۷ ۳۳۸ ۳۳۹ ۳۴۰ ۳۴۱ ۳۴۲ ۳۴۳ ۳۴۴ ۳۴۵ ۳۴۶ ۳۴۷ ۳۴۸ ۳۴۹ ۳۵۰ ۳۵۱ ۳۵۲ ۳۵۳ ۳۵۴ ۳۵۵ ۳۵۶ ۳۵۷ ۳۵۸ ۳۵۹ ۳۶۰ ۳۶۱ ۳۶۲ ۳۶۳ ۳۶۴ ۳۶۵ ۳۶۶ ۳۶۷ ۳۶۸ ۳۶۹ ۳۷۰ ۳۷۱ ۳۷۲ ۳۷۳ ۳۷۴ ۳۷۵ ۳۷۶ ۳۷۷ ۳۷۸ ۳۷۹ ۳۸۰ ۳۸۱ ۳۸۲ ۳۸۳ ۳۸۴ ۳۸۵ ۳۸۶ ۳۸۷ ۳۸۸ ۳۸۹ ۳۹۰ ۳۹۱ ۳۹۲ ۳۹۳ ۳۹۴ ۳۹۵ ۳۹۶ ۳۹۷ ۳۹۸ ۳۹۹ ۴۰۰ ۴۰۱ ۴۰۲ ۴۰۳ ۴۰۴ ۴۰۵ ۴۰۶ ۴۰۷ ۴۰۸ ۴۰۹ ۴۱۰ ۴۱۱ ۴۱۲ ۴۱۳ ۴۱۴ ۴۱۵ ۴۱۶ ۴۱۷ ۴۱۸ ۴۱۹ ۴۲۰ ۴۲۱ ۴۲۲ ۴۲۳ ۴۲۴ ۴۲۵ ۴۲۶ ۴۲۷ ۴۲۸ ۴۲۹ ۴۳۰ ۴۳۱ ۴۳۲ ۴۳۳ ۴۳۴ ۴۳۵ ۴۳۶ ۴۳۷ ۴۳۸ ۴۳۹ ۴۴۰ ۴۴۱ ۴۴۲ ۴۴۳ ۴۴۴ ۴۴۵ ۴۴۶ ۴۴۷ ۴۴۸ ۴۴۹ ۴۵۰ ۴۵۱ ۴۵۲ ۴۵۳ ۴۵۴ ۴۵۵ ۴۵۶ ۴۵۷ ۴۵۸ ۴۵۹ ۴۶۰ ۴۶۱ ۴۶۲ ۴۶۳ ۴۶۴ ۴۶۵ ۴۶۶ ۴۶۷ ۴۶۸ ۴۶۹ ۴۷۰ ۴۷۱ ۴۷۲ ۴۷۳ ۴۷۴ ۴۷۵ ۴۷۶ ۴۷۷ ۴۷۸ ۴۷۹ ۴۸۰ ۴۸۱ ۴۸۲ ۴۸۳ ۴۸۴ ۴۸۵ ۴۸۶ ۴۸۷ ۴۸۸ ۴۸۹ ۴۹۰ ۴۹۱ ۴۹۲ ۴۹۳ ۴۹۴ ۴۹۵ ۴۹۶ ۴۹۷ ۴۹۸ ۴۹۹ ۵۰۰ ۵۰۱ ۵۰۲ ۵۰۳ ۵۰۴ ۵۰۵ ۵۰۶ ۵۰۷ ۵۰۸ ۵۰۹ ۵۱۰ ۵۱۱ ۵۱۲ ۵۱۳ ۵۱۴ ۵۱۵ ۵۱۶ ۵۱۷ ۵۱۸ ۵۱۹ ۵۲۰ ۵۲۱ ۵۲۲ ۵۲۳ ۵۲۴ ۵۲۵ ۵۲۶ ۵۲۷ ۵۲۸ ۵۲۹ ۵۳۰ ۵۳۱ ۵۳۲ ۵۳۳ ۵۳۴ ۵۳۵ ۵۳۶ ۵۳۷ ۵۳۸ ۵۳۹ ۵۴۰ ۵۴۱ ۵۴۲ ۵۴۳ ۵۴۴ ۵۴۵ ۵۴۶ ۵۴۷ ۵۴۸ ۵۴۹ ۵۵۰ ۵۵۱ ۵۵۲ ۵۵۳ ۵۵۴ ۵۵۵ ۵۵۶ ۵۵۷ ۵۵۸ ۵۵۹ ۵۶۰ ۵۶۱ ۵۶۲ ۵۶۳ ۵۶۴ ۵۶۵ ۵۶۶ ۵۶۷ ۵۶۸ ۵۶۹ ۵۷۰ ۵۷۱ ۵۷۲ ۵۷۳ ۵۷۴ ۵۷۵ ۵۷۶ ۵۷۷ ۵۷۸ ۵۷۹ ۵۸۰ ۵۸۱ ۵۸۲ ۵۸۳ ۵۸۴ ۵۸۵ ۵۸۶ ۵۸۷ ۵۸۸ ۵۸۹ ۵۹۰ ۵۹۱ ۵۹۲ ۵۹۳ ۵۹۴ ۵۹۵ ۵۹۶ ۵۹۷ ۵۹۸ ۵۹۹ ۶۰۰ ۶۰۱ ۶۰۲ ۶۰۳

باشد بهتر است و بفرایع عمل بکجه حرف نرند ائمه کريمه و کتبه بالله شهيد المجد رسول الله را در  
 خاشيتر اين لوح بکند اين عمل از علماي مولانا عبد اللطيف گيلانيست که بجهه مرشد فلچان  
 در مقدس ساختن او را مسلط کرد بر جميع اُمراء و قزلباش و فتنه که از عمل فارغ شو خير بکند مقدر  
 تصديق نمايد استاد مرحوم بواسطه الله و در خان ساختن دران اقباله که پادشاه او راه او را  
 اصفهان نموده بود چون مهر ابر بازو بست باندك زماني اياك و امارت فارس را ف و بناگاه و  
 جلال رسيد که مانع از ان منصوبيت ابريز من و چيز باعث اثر دعا است بکجه اعتقاد و تتم  
 اجتناب از محرمات و نواحي اين لوح از محرمات بايد که از جهال مخفي دارند هيسر سيم  
 بجهه تسلط بر جميع خلائي بايد که در ساعه سعد اگر در شرف حل عمل کند بسپارد مؤثر ايد که  
 لوحه مدد سازد و پيرگار درست نمايد چون شروع در عمل کند بعضي رود و بر يند بکتاب کلاب  
 روان مند بکشد و دران بنشيند بشرط انکه غسل کرده باشد جامه پاک پوشيده و چيزها از پنا  
 پارچه بر سر پوشد بخور لبو اندوا نبر الکرسي را بخواند و برخو بدمدان اعمال حکيم لم لم هند است  
 و از اعمال محترمه او است و اين عمل را مولانا مصله الدين محمد کاشغري ايلامه که نواب اشرف بر سر  
 يعقوب خان شيراز ميرفت ساختن ثوان پادشاه ايجاه را مسلط ساخت بر جميع خلائي و اين عمل  
 از محرمات است بايد که چون بمندل نشيند فم دوسر بر باشد در محلي که اين عمل را در لوح درج کند بک  
 خانرا من سر پر کند خانه دويم انا نسر کو طه هذا القياس تا تمام شود و هر خانه که پر کند بگويد  
 يا طيه نال و مقصد خود را در دل بگذراند چون تمام شود روز شنبه چون از نماز فارغ شود بخود  
 بسجود و اين مهر را در پارچه سپاه بر بچيد در بازو راست بند و تسلط و بزرگي بر هر شخعي که بخوا  
 حاصل ابد اما بجهه زنان در بازو چپ بند و بزرگي مردان بر بازو راست زنهار که از نااهلان  
 و جهال مخفي دارند که از اعمال حکيم لم لم هند است چنانچه ر مثال نموده بيشو اينست و اين



نماید هر که برین باشد ایشان را بابت بزرگ بیند از ایشان بترسد بفرستد این عمل از  
عجاست **و صلواتی و میم در خند التماس** چون بدین خند تجزیه نمایند  
در خانه تماشاها سبز بطور زاید هپاها عجب شکلهای که بیندگان از آن متعجب و متحیر  
مانند اصل در این عمل نیز پیر لغز است چون آن بدست آید بیاید گرفت **۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲**  
**۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰**  
بیاید کوف و پس از آن با یکدیگر مزج داشته و بگریختی باید کرد و ششم مذکور عین کرده  
جهانها مثل همین باید ساخت و در ظل خشک کرده نیکو محافظت باید نمود و بوقت حاجت  
تجزیه باید کرد تا آنچه مذکور شد معاینه بدید شو **و صلواتی در خند الاخبار**  
چون خواهد که از همه خبر باید آنچه در کار واقع خواهد شد از خبر و شر بر ظاهر گردد  
هر خانه که خواهد در آن خانه خواب باید فرو عیش بگردد **۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰**  
کرده و مزه **۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰**  
شب بدان مجور سازد در خانه و در آن خانه خواب کند البته در خواب بیند که او را از آنچه  
خواهد خبردار کند از غریبه که این مجرب کرده بود در باب فیه استماع افتاد که واقعا  
تکرار احتیاج دارد **و صلواتی در خند الفار** و این خند مفید است دفع  
مضر و موشان بدانی عمل توان کرد بیکر خنجر که از راه **۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰**  
واب از بیکر و نگاه دارد پس بستاند **۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰**  
**۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰**  
جزوه و هر یک را جدا جدا بگوید بیزد و با یکدیگر در آمیزد و بصراوه مذکور عین کند و  
جهانها سازد برابر لوبیا و خشک کند و سابه پس در هر خانه که جبه از آن تدخین کند موشان

در آن موضع جمع شوند از در و دیوار و سقف زمین و از هر کجا باشند چون جمع شوند ایشان  
بر وجهی که خواهند بکنند **و صلواتی در خند الجحر** در مجله بدین دخنه تجزیه  
کنند هر که انجام باشد از ایشان نماید که بر کار دریا نشسته و از دریا هفتک عظیم برآمده و قصد  
ایشان دارد و میخواهد که ایشان را در دریا بکشد و ایشان از زمین بر سر میگردند صوت عمل  
این دخنه چنانست که بگوید از خر بگویم و ماء البابونج دو درم و فربون سه درم و حب الفرج  
پنج درم **۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰**  
او و ششم سبک الجحر مثل او پس جو بزرگ بگوید مجموعا با شوم بیامیزد و جو سازد هر چه یک شغال  
و در ظل تجفف نماید هرگاه خواهد تجزیه کند بتراتی که آن طبهر یک کهنه غرق گشته حاصل  
شد باشد آنچه مذکور شد معاینه بدید شو **و صلواتی در خند الجن** این  
دخنه مناسب است و چون در این کتاب در ترجمه یافت هرگاه که بدین دخنه تجزیه کنند در  
شب روضه و بر آن که از عمارات دور باشد جمع از جن در آن موضع جمع آیند سخن گویند  
هر چه عامل این دخنه را بپایند جواب گویند باید که از ایشان ترسد که ایشان صاحب این  
دخنه را دوست میدارند مطلقا باید از او و از او دست نیکشایند بلکه حاجات او آنچه  
توانند و امیکردانند عمل این دخنه بر آن وجه است که بگوید جزوه **۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰**  
**۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰**  
و جزوه از **۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰**  
و هر یک را جدا جدا  
حق که پس با هم بیامیزد چنانچه بجز و شوند اگر بترت از و هم چنان نگاه دارد و هر که باشد پس  
موضع که مذکور شد بر و اقل انگشت در پیش و این و از آن آتش دیز و بخور که بقدرت  
خسرا لیه روحانیان از جن مرده هم بر توجع شوند و گرداگرد تود را بپند باید که دلیر بجن در



چنانست که  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  بیامیزند و بدان کتابت کنند و ز  
توان خوانند و در شب توان بد توان خوانند گفته اند اگر مراره  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  و مراره  
 $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  با یکدیگر خلط نمایند بقلم غلط چیزی نویسند  
در روز آشکارا نباشد در شب چنان نماید که گویا بر محلول نوشته اند بعضی بخار  
 $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  آورده اند و صل ششم کتابت الشعیر  
و این چنانست که مواد بر عضو از اعضا او برود بر وجهیکه توان خواند نام بالعم  
یا بقیه و این بنات عجیب است بیکر  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  و در من  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$   
 $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  و قشور و ق  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  بشرطیکه دروغ زب  
جوشیده باشد بدین و اکاتب کند هر چه خواهد بر هر عضو از جسد که خواهد از موضع  
کتابت مؤبر و بد خط باشد که توان خواند و صل هفتم کتابت وجه الماء این  
کتابت است که بر رو آب باشد توان نوشت و اگر از قوه بفعل اید غریب چیزی باشد بیکر  
 $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  و با  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  بیامیزد و هر دو از زب سحر نماید از این معلول  
بر رو آب کتابت نوشته بداید و صل هشتم کتابت الحجر این کتابت است که بر  
سنگ نویسند نوشته ظاهر گردد و این نیز از غرائب بیامیزد و سنگی که خواهد اگر سرخ  
باشد بهتر و اگر بنفشه قابل بود عمل کاملتر باشد از اناتش که کند به  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$   
 $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  بنویسد بر هر چه خواهد سه شبانه روز در خل  
 $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  افکند پس از آن پیرن ارد و مقصود حاصل بود اصل ثانی در چهل  
و دو کون و مضمون این اصل در دو فصل مبین میگردد فصل در چهل و آن چاره ساز باشد  
و از جمله آن سه نوع در سه اصل آورده شد و صل اول در تعافین و از آن سه

نکته مکتوب میگردد و نکته اول تعفین النخل و این عملیست بسیار نافع چه در موضع  
که نخل عمل نباشد و خواهند که پیدا اید بسیار شود بدین عمل تحصیل آن توان کرد و در بعضی  
قرنی که بر کار و نخل مصر است در دینار صعدا بنعمل بخامبارند و زنبوب بسیار حاصل میکنند  
و حصول آن باین نوعست که  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  که به ماه بر او گذارند  
باشد به عیب بود و پاک از هر علل بکینند و بچ کنند بگذارند تا تمام خون از اعصاب او برود و  
چون خون باز آید گوش دهان و خج و جیب ثقب منافذ او را بد زب برشته محکم  
نارین که از کان نافه باشند جمیع مواضع دوخته زب تازه طلا کنند تا هوامطفا  
پیرن نرود و بدون نیز در نباید پس چوب سب بکینند بر روزند مره بعد از آن جمیع  
استخوانهای او ریزه ریزه گردد و باید که هیچ چه پوست و سوزاخ نشود و پاره نگردد که  
بطلان بعمل بر آید پس اند بوح مرصوص را در موضع مضبوط بگذارند که بعد از چند  
روز تمام نخل گردد پس ایشانرا بیکر و بد سوز که مقرر است بصوبه بپزد کنند منازل  
بجهت ایشان تعیین نماید که عسل در خانه زبیل از ایشان حاصل شود نکته ثانی  
تعفین العقرب ر بعضی اوقات بدین عقرب خنجر به افتد جهت بعضی معالجان چون حجر  
المشانه و غیر آن بدست آوردن عقارب متعد است حکما در تحصیل ایشان این چاره  
بدست آورده اند عسل است که بیکر  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  و در  
میان دو  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  بگذارند بعد از سه هفته عقارب خضر  
متولد گردد و از پیش آنها حد باید کرد هر که را بگزند اغلب است که بید نوع دیگر  
بکینند  $\text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H} \text{---} \text{H}$  آب نار صید و بر رو خاک نرم کنند آب بر روزند مکررا اندک  
زمانه را که بردارند در زبان عقارب صغار باند متولد شده ضرب لدغ ایشان بر آب

عقارب عمل سابق نیست نوع دیگر که حضرت والد علیه الرحمه نبوشه اند بیکر  
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 براتر زمین هلد کاسه با طرف دیگر سوزان نکون کند چنانچه هوا بدون او نرود بعد از سه  
 روز همه اجزا کثرم شده باشد نکثر ثانیاً ثلثاً تعین الحیات ان مقدار از ۱۰  
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 مضو توانست شد پس چهار هفته ایند کور را در طرف جاحین در زبل تعین کند بشرابط  
 و چون اینده بگذرد حیات سرخ گزیده کشنده متولد شوند از اینها نیز حد لازمست و  
 اگر بجای ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 حیات بزرگتر و پر زهر تر پیدا بد و صلواتی و در صد این نیز از اعمال نافه است  
 و چهار نکتہ در این باب مبین میگردد نکثر اول صد است بیکر ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 و برجه خود بمالد و چون بشیر سد خود را بر او افکند فی الحال او را بدست گیرد و شیر را  
 بمحال حرکت نماند نکثر دوم صد تمساح و این بغایه غریبست و کچه ابتکار تواند  
 کرد که خود را بشیم جزدون چرب سازد و بیفکند بر تمساح که مطلقاً فوت از تمساح برود تا آن  
 کس بگیرد و بر نشیند هر دو چشم او را بپند نکثر سیم صد سمن دان دار و پست  
 که چون در زاب افکند ماهیان همه برو مجتمع شوند از هر گوشه چنانچه بدست توان گرفت  
 بگیرد ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 عین کند از اشکل گوشت باز در رشته در بند و در زاب او پرده ماهیان که در آن حواله  
 باشند برو جمع گردند نوع دیگر بتان بول ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ ۱۳ ۱۴ ۱۵ ۱۶ ۱۷ ۱۸ ۱۹ ۲۰ ۲۱ ۲۲ ۲۳ ۲۴ ۲۵ ۲۶ ۲۷ ۲۸ ۲۹ ۳۰ ۳۱ ۳۲ ۳۳ ۳۴ ۳۵ ۳۶ ۳۷ ۳۸ ۳۹ ۴۰ ۴۱ ۴۲ ۴۳ ۴۴ ۴۵ ۴۶ ۴۷ ۴۸ ۴۹ ۵۰ ۵۱ ۵۲ ۵۳ ۵۴ ۵۵ ۵۶ ۵۷ ۵۸ ۵۹ ۶۰ ۶۱ ۶۲ ۶۳ ۶۴ ۶۵ ۶۶ ۶۷ ۶۸ ۶۹ ۷۰ ۷۱ ۷۲ ۷۳ ۷۴ ۷۵ ۷۶ ۷۷ ۷۸ ۷۹ ۸۰ ۸۱ ۸۲ ۸۳ ۸۴ ۸۵ ۸۶ ۸۷ ۸۸ ۸۹ ۹۰ ۹۱ ۹۲ ۹۳ ۹۴ ۹۵ ۹۶ ۹۷ ۹۸ ۹۹ ۱۰۰  
 و صحفه بدان

[illegible]